

مبارزه ضد امپریالیستی
از مبارزه برای دموکراسی
جدانیست



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم شماره ۱۱۰

چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۰

۲۰ صفحه ۳۰ ریال

نامه سرگشاده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خطاب به نمایندگان "مجلس شورای اسلامی"!

نمایندگان "مجلس شورای اسلامی"!
بحسب وظیفه ای که ما زمان چریکهای
فدائی خلق ایران در قبال کارگران
دهقانان و دیگر زحمتکشان ایران
بر عهده داریم.
بنا به وظیفه ای که ما زمان چریکهای
فدائی خلق ایران در دفاع از منافع
شده ها و آرمانهای و آلائی زحمتکشان
بر عهده داریم.

درباره شعارهای اساسی جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران ۱

امپریالیسم جهانی، سرکردگی آمریکا
لیسم آمریکا در شرایط کنونی با یکی از وحیم
ترین بحران های ایمنی دنیا روبرو است
بگریبان است. رکود و تورم همزمان، با
آشفته گویی نظام بولیویس المطلق و... تمامی
سیستم آمریکا را در خود فرو برده است.
اعلاماً جنبش کارگری در کشورهای سرمایه
داری غرب، گسترش بسیار یافته است.
کارگری در اغلب این کشورها و رزید رور
افزون جنبش های آنها شیخشی در سرمایه
کینی رکان و با به ای سرمایه داری جهانی
سرکردگی آمریکا لیسم آمریکا را بلورده
در آورده است.
شردخادی در عرصه جهانی بین سرولهای
بقیه در صفحه ۱۵

عوام فریبی دادگاه تخلفات و جرائم زمان جنگ

و ایادی رژیم پیشین "قلعده دادگانه"
در ماده یک "خطا ربه دادگاه تخلفات"
و جرائم زمان جنگ "آمده است: عیناً صر
ساواک و دیگر تفرقه های رژیم گذشته در
اجتماعات گروههای فاشیست آمریکائی
که در حال مبارزه با جمهوری اسلامی
هستند شرکت مینمایند...
بقیه در صفحه ۱۶

دادگاه تخلفات و جرائم زمان جنگ در
روزه شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه "خطا ربه ای"
مادر کرده است که بررسی مسوولان
بیش از پیش چهره "ضد خلقی رژیم
جمهوری اسلامی را افشاء میکند. رژیم در
این اطلاعیه سعی کرده است، مبارزات
نیروهای انقلابی و شوده های زحمتکش
را بتکلی فریبکارانه "کار ساواکی ها

اعتراض به بازداشت سعید سلطانی پور هم چنان ادامه دارد

در ادامه اعتراض سازمانها و شخصیت
های سرشناس ایران و جهان به بازداشت
سعید سلطانی پور، بیش از صد تن از
نویسندگان، روزنامه نگاران و روشنفکران
ایران طی بیانیه ای، اقدامات ضد
دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی را محکوم
کرده و خواستار آزادی فوری نویسندگان
بازداشت شده از جمله سعید سلطانی پور
عضویت دبیران کانون نویسندگان
شدند.
کانون نویسندگان نیز طی بیانیه
اعلامیه درباره "حقان سرکوب استبداد"
خودگامی رژیم جمهوری اسلامی را محکوم
کرد.
بقیه در صفحه ۱۸

رژیم جمهوری اسلامی: بکارگیری روشی کهنه در جهت پایمال کردن حقوق زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی زندان اوین مدت
ها جهت بدست آوردن حقوق اولیه یک
زندانی سیاسی یعنی جدا بودن از تانیان
و کودتاگران، در اختیار داشتن کتاب و
جدال شرایط بهداشتی دست به اعتصاب
غذا زده بودند. در این رابطه نیروهای
متزقی سازمانهای سیاسی و کانونهای
دموکراتیک بسیاری از آنان پشتیبانی به
عمل آوردند. اما رژیم جمهوری اسلامی که
حاضر نیست حتی حقوق اولیه زندانیان
سیاسی را نیز برسمیت بشناسد مزورانه
بقیه در صفحه ۲

در این شماره

- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- برآوردگان چه می کنند؟
- از اعلامیه ها و... کارگران پیشرو
- پاسخ به سئوالات

نابود باد امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا وپایگاه داخلیش

نامه سرگشاده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خطاب به نمایندگان "مجلس شورای اسلامی"



نمایندگان "مجلس شورای اسلامی"!

شبهه از صفحه ۱

ما وظیفه انقلابی خودمندا بیم که در سبکها خلیفهای فخرمان ایران خطراتی که انقلاب ایران را ناسردکست قطعی سهد می کند، خاطریشان سازیم و نمایندگان "مجلس شورای اسلامی" که بنام بوده ها و بسا م انقلاب دست بصوبت لوایحی میزنند که مغایرتها با مصالح انقلاب و منافع توده های زحمتکش است هنداردهیم.

امروز دیگر برکنی پوشیده نیست که پس از گذشت بیش از دو سال از قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم متفوسر سلطوی سدهست توانای زحمتکشان، نه تنها خواستهای برحق توده های میهن ما تحقق نیافته است، به سببها انقلاب به سرانجام بیروز منتهی نرسیده است، بلکه مدام وضعیت و شرایط زندگی کارگران و دهقانان و همه اقشار زحمتکش میهن ما دشوارتر گشته است. و حالت اوضاع اکنون به مرحله ای رسیده است که میلیونها تن از هموطنان زحمتکش ما بیکار رند و در چنگال فقر و گرسنگی گرفتارند. میباشند، فشارگرانی و کمبود ما بحتاج عمومی، زندگی را بر همه زحمتکشان دشوار کرده است. چندین میلیون تن از هموطنان ما در انجرنگ خانه نما سوزگونی خانه و گاشانه خود را از دست داده، در بدر و آواره شهرها شده و از جدا قتل امکان یافتن، مسکن و بهداشت محروم اند، و این در حالی است که سرمایه داران بویژه تجار از طریق استثمار و غارت توده ها و بیقیمت خانه خرابی میلیونها تن از زحمتکشان میلیاردها تومان سود بیچیب زده اند. اما حکومت جمهوری اسلامی که از "مستضعفین" سخن میگوید، برای مردم چه کرده است؟ و کدام کام اساسی را لافل در جهت تخفیف فقر و فلاکت توندها برداشته است؟

مقامات جمهوری اسلامی بعوض بر آوردن ابتدائی ترین نیازها و خواستههای زحمتکشان ایران، کوشیده اند هر صدای حق طلبانه زحمتکشان را در کلوخه کفند و در برابر بردن رضایتی و اعتراض توده ها به سیاست تشدید جوارختناق و سرکوب روی آورند. در ادامه همین سیاست است که اطلاعیه ده ماهه ای دادستان کل انقلاب منتشر می کردد، و شما نمایندگان مجلس نیز خیال دارید با تصویب لایحه ای که هدفی جز سرکوب مردم آزادیهای سیاسی مردم، دیرین داریها و بی نام مردم، بنا مانیست و قانون اساسی سرکوب توده ها، به این سرکوب توده ها، به این سلب آزادیها، شکل قانونی بدهند. آیا اطلاعیه دادستان کل کشور و لایحه مربوط به فعالیت احزاب، سازمانها و گروهها هدفی جز محو کامل آزادیهای سیاسی و سرکوب و اختناق را دنبال می کند؟ آیا طرح گروههای مسلح و غیر مسلح در این اطلاعیه سرپوشی برای سلب آزادیها و سرکوب توده ها نیست؟

در این اطلاعیه چنین وانمود شده است که کوبا فقط گروهها و احزابی که اعضاء خود را مسلح کرده و بنا رژیم جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه کنند، غیر قانونی میباشند و سایر احزاب و گروهها آزادند و حق فعالیت سیاسی علنی دارند، اما اگر در همین اطلاعیه اندکی دقیق تویم، پی می بریم که هدف واقعی از تنظیم این اطلاعیه جلوگیری از هرگونه فعالیت سیاسی - انقلابی علنی، هرگونه فعالیتها و مبارزات دموکراتیک و صفتی است. در ماده ۸ این اطلاعیه آمده است: "۸ - کلیه احزاب و گروهها مجاز به تشویق و تحریک به اعتصاب، کمکاری، تخمین و یا هر نوع اخلال در موسسات مختلف کشور نیستند و چنانچه مواردی مشاهده شود، متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند."

ما سئوال می کنیم که آیا "اعتصاب" "کم کاری" "تخمین" که در این ماده ممنوع شده است بمعنای منفی هرگونه مبارزه سیاسی - انقلابی، منفی هرگونه مبارزه سیاسی - صنفی نیست؟ آیا این بمعنای ممنوع کردن مبارزات کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش میهن ما برای رسیدن به خواستههای برحق شان نیست؟

بر هر کسی که اندکی آگاهی داشته باشد روشن است که در اینجا دیگر مبارزه مسلحانه مطرح نیست بلکه اعتصاب کارگران غیر قانونی اعلام می شود، و اعتصاب در زمره ابتدائی ترین حقوق کارگران و زحمتکشان است که در سراسر جهان بر بنیاد شناخته شده است. از نظر دادستان کل کشور، کارگرانی که بمبارزه علیه سرمایه داران برخیزند و بمنظور احقاق حقوق ابتدائی خویش دست به اعتصاب تخمین و... زنند، مورد پیگرد قانونی قرار می گیرند. در اطلاعیه دادستان کل انقلاب هر مبارزه کارگران و دهقانان، هرا اعتراض کارمندان، دانشجویان، معلمان و دانش آموزان ممنوع شده است و بلاخره دادستان کل انقلاب هر سازمانی را که از حقوق زحمتکشان و مبارزات آنها دفاع کند اخلالگری می داند.

هنسکا می که "مرتکبین" این "اعمال" "مجرم" شناخته شده و تحت پیگرد قانونی قرار گیرند، دیگر آزادی فعالیت سیاسی، اجازه فعالیت قانونی، مبارزه تلویزیونی و... بخودی خود به امری بیسوج و بی معنی بدل خواهد شد.

در اینجا ستمگر و ستمی می بینیم تقسیم گروهها را سازمانها به دو دسته مسلح و غیر مسلح صرفا "بهانه ای" برای سرکوب سازمانهای انقلابی و مترقی، و محو آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده ها است.

مگر... بر کلیه شرایانی که تاکنون غیر قانونی شده اند همه متعلق به گروههای مسلح بوده اند...؟ متاسفانه رسیدن کارگران و شوراهای انقلابی کارگران، شوراهای دهقانان، مسلح بوده اند که مورد سرکوب واقع شده اند؟... ستردقا تریا زمانهای دانشجوئی، تشکل های کارمندان، اتحادیه ها و کارکنان دموکراتیک رنان، بوسیله کارکنان و غیره مسلح بوده اند که تعطیل شده اند؟

اگر منظور از مبارزه مسلحانه، مقاومت خلق کرد باشد، امروز دیگر بر همگان روشن شده است که سبک خلق کردخواهان جنگ نیووه و طالب ملح است و هزاران بار آنها مات تجزیه طلبی را در کرده و اعلام کرده است که خواهان تحقق حقوق دموکراتیک خویش در چارچوب کشور ایران است. در کردستان نیز این گروهها و سازمانها نیستند که می چکنند بلکه توده های زحمتکش خلق کردانند که در مقابل جنگ تحمیلی ارخانه و گاشانه خود دفاع می کنند و طالب تامین حقوق دموکراتیک خویش هستند. و هرا بیگانه حقوق دموکراتیک خلق تحت ستمگردن زمین کردد، صلح در آنجا برقرار نخواهد شد و دیگر جنگ موردی... نخواهد داشت.

شبهه در صفحه ۲

رژیم جمهوری اسلامی: بکارگیری روشی کهنه...

شبهه از صفحه ۱

کوشیدند تا شیوه ای کهنه را بکار گیرند و با خرابکاری و ضد انقلاب نامیدن زندانیان سیاسی مترقی شما می مسائل رالیونائی کند.

رژیم در سبب تیره دا دستا نی کل کشور چنین می گوید: "زندانیان این بازداشتگاهها را افراد ضد انقلاب خرابکاران، ساقضین قانون و مخالفین تشکیل داده و اصلاحات سیاسی در این باره - دانشکا وجود ندارد." (انقلاب اسلامی ۱۴ اردیبهشت ماه) این شیوه سرخوردگی اینک رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با زندانیان سیاسی در پیش گرفته برای توده های خلق تا زکی ندارد. شاه نیز همواره سعی میکرد با بکار گرفتن همین روش دستهای خود را لود و جنابا تدرین زندانیان خود را از چشمها محفی که دارد. همه مردم سبب ددا رند که چگونه شاه خائن همواره سبکفتمت اصلاح زندانی سیاسی ندا ریدیم. اینها یک منت جنا بیکار رند.

و بدین طریق سعی می کرد بهترین فرزندان خلق را جنا بیکار کند. همه مردم سبب ددا رند که چگونه شاه فدائیان را زوما هدین را "خرابکار" و "عنا مرضاضمانی" می نامید و بدین طریق سعی داشت از زیر بار وجود زندانیان سیاسی در زندانهای رژیم خود شانه خالی کند.

در رژیمهای سرمایه داری - همواره زندانیان وجود دارند که به جرم داشتن افکار و عقاید مترقی و بیعت مبارزه در جهت شیرونا بودی نظام حاکم به زندان افتاده اند. هم امروز در رژیم جمهوری اسلامی شاهدیم که چگونه کارگران مبارزی که در جهت احقاق حقوق خود به اعتراض لب می کشانند، زحمتکشانی که برایشان بیکاری - فقر و گرانی دست به نظر هرات میزنند، معلمان آگاه و مبارزان که سعی در ارتقا آگاهیدانش آموزان دارند، دانش آموزانی که در جهت شکل و تدویم مبارزه کوشیده اند، فرزندکان بشریات انقلابی، مبارزینی که در جهت رشد آگاهی توده ها کار کرده اند... همه و همه بوسیله رژیم جمهوری اسلامی سیر و زندانی می شوند.

اما رژیمهای ضد خلقی همواره کوشیده اند تا از پذیرش داشتن زندانیان سیاسی سر باز زنند. زیرا در وهله اول وجود زندانیان سیاسی مترقی و همچنین تعداد آنها در بیک کشور در نظر افکار عمومی جهان و همچنین در رابطه با ذهنیت توده های آن جامعه شبهه در صفحه ۲

استقلال - کار - مسکن - آزادی



تحصن کارگران مجتمع پتروشیمی در مقابل نخست وزیری

کارگران برای بدست آوردن حقوقشان ادامه میباید. شما بندگان آنها بارها به مسئولان دولتی مراجعه میکنید اما هیچ پاسخی در جواب خواستههایشان نکرده و به آنها گفته میشود شما تسویه حساب شده و هیچ حقی ندارید. بالاخره کارگران کهرفت و آملهای مکرر و جدما هم شما بندگان خود را بسی تسویه میسنددند. جمعی به تهران میآیند آنها در ادامه مبارزاتشان برای دریافت حقوق عقب افتاده خویش

۲۵۰ نفر از کارگران پیمانکاریهای مجتمع پتروشیمی ایران وزیر (بندر خمینی) برای دریافت حقوق عقب افتاده خود در مقابل نخست وزیری دست به تحمّن زدند. مبارزه کارگران پیمانکاری این مجتمع از مدتها پیش از جنگ بر سر دریافت حقوق جلوگیری از تعطیل کار و اخراج جریان دارد. این مبارزات در قلم از جنگ رژیم جمهوری اسلامی را وادار میکند که بخشهای ای بدین مضمون صادر نماید



جیش گارگری



تشدید خفقان و سرکوب در کارخانجات تبریز

توسل رژیم جمهوری به تشدید خوقفان و سرکوب در کارخانجات تبریز ختم کارگران را برانگیخت. در تاریخ ۶۰/۱/۲۴ - بخشنامه ای از طرف مدیرعامل کارخانه لیفت تراک تبریز خطاب به کارگران صادر می شود در بخشنامه مذکور می خوانیم که: اجتماع بیش از سه نفر در محیط کارگاه اکیدا ممنوع است. هرکس شایعه پراکنی کند از کارخانه اخراج میشود. کارگران باید هرچه بیشتر کار کنند و کسی حق ندارد بهیچوجه بحث ایدئولوژیک در کارخانه نماید و یا مشا هده چینی در کاری هرچه زودتر اخراج خواهند شد. در پایان بخشنامه مدیرعامل کارخانه تشدید مسئولین قسمتها از آنها می خواهد که با قاطعیت عمل کنند. هنگامیکه مسئولین قسمتها بخشنامه را برای کارگران می خوانند کارگران متحد و یکپارچه با اعتراض به این بخشنامه به مقابله برخاستند یکی از کارگران خطاب به مدیرعامل گفت: با کدام قانون از کارگر، کار می خواهید؟ مدیرعامل در جواب گفت: با قانونی که من می گویم. آری رژیم جمهوری اسلامی ابتدا گوشید با فریب و تحمق کارگران منافع سرمایه داران را تا مین کنند اما اکنون کسبه توانایی خود را در مقابل خواستهها و مبارزات متحدکارگران تعیینه دریافت کرده است چاره ای جز توسل به خفقان و سرکوب کارگران ندارد. اما کارگران هر روز که می گذرد با اتحاد یکپارچه و تشکیل شورای انقلابی به مقابله با سیاست خفقان و سرکوب بر می خیزند آنها در عمل انقلابی خود همه آئین نامه ها و بخشنامه های وزارتی را بی اعتبار خواهند ساخت.

از تاریخ ۶۰/۲/۱۴ در مقابل نخست وزیری تحصن میکنند. کارگران میگویند که: شما بر بخشنامه ای خود دولت ما هشت ماهه حقوق بر اساس ۵٪ ظلمتکارهستیم و دولتیست می باید حقمان را بدهد. آنها یکمصدان یا شعار "رحانی، حقوقی بخشنامه را اجرا کن" خواهان کسب حقوق با اعمال شده خویش هستند. آنها اعلام کرده اند که: شما هنگامیکه حقوقمان را تکبیریم دست از تحمّن برنمیداریم.

که پیمانکاریها نمیتوانند کارگران را اخراج کنند و باید ۵٪ حقوق را بپردازند. کارگران بیدارند. ما با شروع جنگ ارتجاعی بین دولتهای ایران و عراق کار مجتمع پتروشیمی متوقف مانده و هر یک از کارگران هزار تومان پرداخت کردند. مدیران پتروشیمی بیشتر مانده... کوشیدند این مبلغ را بعنوان تسویه حساب کارگران عنوان کرده و آنها را اخراج نمایند. در برابر این اقدام ضدکارگری مبارزه.

نوطه انجمن اسلامی پنهان علیه نمایندگان شورا

متحدان را در برابر اقدامات ضد انقلابی و ضدکارگری تقویت نمایند. در این میان انجمن اسلامی بدست سیاستهای ارتجاعی آشکارا به سیاست اختناق و سرکوب حزب جمهوری اسلامی و وابستگانش نظیرهادی غفاری متوسل میشود. تعدادی از پاسداران سرمایه و وابستگان کمپته جی یکفرا از نمایندگان شورا را بدستال جاسوسی های انجمن اسلامی شبانه دستگیر می کنند. آنها وی را در بیابانهای اطراف تهران بگمشد کشت کنک زده، شکنجه اش کرده و سرانجام او را با همان حال در بیابان رها می کنند، اما وی با لاجره موفق به نجات خویش میشود.

انجمن اسلامی شرکت پنهان (پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران) پیرو سیاست داعمی و ضدانقلابی حزب جمهوری اسلامی از مدتها پیش دست در دست مدیریت سعی در انحلال شورا و ایجاد یک شورای فرمانی و وابسته به خود دارد. اما تنها کنون تنها می نوطه ها پیش در برابر آگاهی کارکنان و مبارزه متحد و یکپارچه آنان انجمن شده است. از چند هفته پیش با افزایش فشار و نوطه های مدیریت و انجمن اسلامی، کارکنان مبارز و شورا جهت تشکیل مجمع عمومی به مبارزه ای سنگین روی می آورد. آنان موفق میشوند که ما تشکیل مجمع عمومی واقعی انجمن و مدیریت اتحاد کارگران را مستحکم نموده و صرف

بقیه در صفحه ۱۸

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود

نامه سرگشاده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شعبه از صفحه ۲

موضع سازمان ما نیز در این مورد کاملاً صریح و مشخص است، ما اعتقاد داریم سلاحیایا بیدرد دست توده های مردم و در اختیار شوراهای انقلابی قرار گیرد، این توده های میلیونی مردم هستند که با بسیج و مسلح شوند، آنها به بهترین نحو موثرترین شکل میتوانند از منافق خود در برابر امپریالیسم جهانی و سرکردگی امپریالیسم آمریکا و وابستگان و متحدین داخلیش دفاع کنند و با بر همین اعتقاد دستان بود که از مداره سلاحهای ارتش شاهنشاهی توسط توده های مردم در قیام بهمن ماه دفاع کردیم و هم امروز نیز از این اعتقاد دفاع می کنیم.

در شرایط کنونی نیز مبارزه دنیا را محور فعالیت خود قرار داده ایم و وسیع و شکل و ارتقا ۳ گانه سیاسی کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان میهنمان را وظیفه اصلی خود می دانیم و در کردستان نیز که مبارزه مسلحانه به خلق گردتحمیل شده است از صحنه دموکراتیک، ارتش بی که توأم با شنا ساشی حقوق حقه خلق کرد را دفاع می کنیم. و بسهم خود ما ده ایم با اتکا به نیروی توده ها و زحمتکش خلق کرد زمین را برای مداخله و برقراری ارتش پس در کردستان، بشرطی که متضمن شنا ساشی حقوق حقه خلق کرد باشد، فراهم کنیم. ما چنین راهی را در شرایط کنونی بسود زحمتکشان خلق کرد و همه زحمتکشان ایران میدانیم. اگر حقوق حقه خلق را محترم بشمارید آنگاه خواهد دید که ارتش خصومت ها در کردستان بسردی خواهد کرد و صلح برقرار خواهد شد.

اینکه چرا امروز فدائیان و دیگر نیروهای انقلابی مورد حملات کینه توزانه قرار گرفته اند دقیقاً به خاطر رشد و گسترش نفوذ آنها در میان توده ها و دفاعشان از مبارزات و منافق خلق است. کیست که سابقه مبارزات انقلابی و سرودن لیرانه فدائیان خلق را علیه امپریالیسم و ایادی دموکراتیک و نیز مقاومت و پایداری حماسه آفرین فدائی خلق، مجاهد و سایر نیروهای انقلابی را در شکنجه کاههای ساواک از خاطر برده باشد. کیست که نداند روزهای قیام فدائیان خلق پیشا پیش و دوشا دوش توده ها به یادگاریها و مراکز جو و ستر رژیم پهلوی حمله بردند و لیرانه جنگیدند و نقش ارزنده ای در سرنگونی رژیم سلطنتی بعهده گرفتند.

آری فدائیان خلق بدین لحاظ زیر شدیدترین حملات و سرکوبها قرار می گیرند که بیکرانه از منافق کارگران و زحمتکشان دفاع می کنند.

ما میگوئیم با بدست مرمی به دارینا بودگشته و سلطه امپریالیسم بطور کامل محو گردد، ما میگوئیم کارخانه ها را بیدر کنترل کارگران باشد، زمین به دهقانان واگذار شود، ما میگوئیم با بیدکاری بیگاران نامین گردد، جلوی افزایش قیمت ها گرفته شود و معادل افزایش قیمت ها به دست سازان کارگران و حقوق کارمندان اضافه گردد، ما از شوراهای انقلابی، از خواست هاست کار و دور و تعطیل در هفته، از حق تعیین سرنوشت خلفهای تحت استم ایران، از آزادی فعالیت کانونهای دموکراتیک و توده ای، آزادی فعالیت سازمانهای انقلابی، آزادی فعالیت سیاسی - انقلابی، آزادی بیان، عقیده و مطبوعات آزادی مطبوعات میهنیک، اعتصابات و غیره ... دفاع می کنیم.

آیا فدائیان خلق با بدلیل دفاع از منافق اساسی کارگران، دهقانان و زحمتکشان بخاطر دفاع از دموکراسی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مورد بیگرد قرار گیرند، دستگیر، شکنجه و زندانی شوند؟

آقایان نمایندگان مجلس! امروز نتایج که برای تصویب و اجرای لایحه غیرقانونی کردن احزاب صورت میگردد، هر چند لایحه تیزان متوجه سازمان ما و سازمان مجاهدین خلق ایران است، لیکن کوشی است برای محو کلیه آزادیهای سیاسی و پایداری نمودن دستاوردهای قیام خونین بهمن ماه، کوشی است برای برپا نهادن ابتدائیترین حقوق کارگران و همه زحمتکشان که با همه برقراری رژیم ترورواختصاصی، سرکوب و خفقان، و همه توده های زحمتکش ایران در برابر آن خواهند ایستاد. توده ها این آزادیها و حقوق دموکراتیک را با مبارزات سخت و خونین خود یکف آورده اند و از آن دفاع خواهند کرد. تصویب و اجرای چنین لایحه ای خیانتی عظیم نسبت به انقلاب و خلفهای تحت استم ایران است.

تاریخ مبارزات همه خلفهای جهان و ایران ثابت نموده است که ترور، شکنجه، خفقان و سرکوب و محو آزادیها و حقوق دموکراتیک توده ها هیچگاه نتوانسته است بدی در برابر موج خروشان مبارزه - انقلابی توده ها ایجاد کند. سیل خروشان و پیشرونده تاریخکسانی را که بخوانند ما تعجب و شرفست و نکامل جا مع و تاریخها تندید و نخواهد افکند.

سازمان ما از هم اکنون عواقب وخیم تصویب و اجرای این لایحه را به نمایندگان مجلس "شورای اسلامی" هشدار می دهد و مسئولیت آنرا بر عهده کسانی می داند که برای این لایحه محه بگذارند. بدون شبهه سازمان ما، در صورت سرسخت شناخته شدن و تضمین آزادی فعالیت سیاسی - انقلابی و برسمیت شناخته شدن حقوق دموکراتیک توده ها، چهارجوبی که چنین حقوقی را تضمین کند محترم خواهد شمرد، اما در غیر این صورت نه تنها هیچگونه "قانون" محدودیتی را که سلب کننده حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی توده ها باشد، برسمیت نخواهد شناخت، بلکه پیگیرانه علیه آن مبارزه خواهد خواست.

سازمان ما با توجه به اوضاع سیاسی کنونی و شرایط فوق العاده حساس جا مع با ردیگرتنا بیسج و عواقب ناشی از تصویب چنین لایحه ای را به نمایندگان مجلس گوش زد کرده و آماد است تا با شرکت در یک مناظره و بحث را دیوتلوویزیونی که بدون سانسور پیش گردد و حقاً بیوا هر چه بیشتر با توده ها در میان گذارده و مواضع خود را توضیح دهد و از دیوتلوویزیون میخواهد که زمینه را برای برگزاری این بحث و مناظره فراهم کند.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم -

آمریکا و پایگاه داخلیش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۶۰/۲/۲۷

رژیم جمهوری اسلامی: بکارگیری روشی کهنه ...

نشانه عدم وجود آزادیهای دموکراتیک و در نتیجه سرکوبی و عدم مردمی بودن رژیم کلام چنین کشوری است و در حال بر طبق قوانین بین المللی که برای ایران در مبارزات نیروهای مترقی بدست آمده است، زندانیان سیاسی از حقوق ویزای سیست به زندانیان عادی (دردان، جنایتکاران، قاچاقچیان و...) برخوردارند که دولت آنها در صورت بدین وجود زندانیان سیاسی موظف است اجرای آنند.

از سروست که رژیمهای سرما به داری و ضد خلفی همواره تلاش می کنند بهر بهانه ای زیر بار پایداری وجود زندانیان سیاسی سرما زنند، یکی از رسوم ترین شیوه های موجود در این مورد است که زندانیان سیاسی را در رده جنایتکاران محسوب می کنند و با عتاب و بی جانی و قتل و... آنها را افرادی ضد جامعه و در حد زندان و جانیان - قلمداد کنند، اینک مقایسه ای با هم می آید از انقلابی بی لند بای با ندر بهترین و زنده ترین گواه این سالها است همه دیدیم که چگونه با بیامانند برای آنکه زندانیان سیاسی شناخته شود و در دفاع از حقوق زندانیان سیاسی دست به عتاب غذا زد و چگونه رژیم ارتجاعی و ضد خلفی انگلستان و پلیس سرکوبگرش با خود داری ارتشاشی او و باران مبارزش بمقنوع زندانیان سیاسی با عت شهادت او شد، و با این عمل خست و نفرت نما می توده های خلق در سراسر جهان را برانگیخت.

آیا شیوه برخورد رژیم جمهوری اسلامی با زندانیان سیاسی، "جراحتی و رصدا انقلاب" نامیدن آنها و نفی وجود زندانیان سیاسی همان برخورد پلیس فاشیست دولت ضد مردمی انگلستان زندانیان سیاسی نیست؟ چگونه است که رژیم جمهوری اسلامی دولت انگلستان را در حرف و در شعار محکوم میکند و از مبارزات با بیامانند حمایت می کند. ولی خود در عمل با زندانیان سیاسی بهمان شکل رفتار میکند، اما، علیرغم نما می بستن فریبها و سرکوبها، توده های خلق، براسالیان سال تجربه ای که از رژیمها گذرانده اند، بیس دارند، ما شناختیم که از ما هیت سا و سا و اکودروغهای آنان و مبارزه بیامانند، بیس سیاسی بدست آورده اند، دیگر فریب دروغها رژیم جمهوری اسلامی را نخواهند خورد.

شکنجه و اختناق نابود باید گردد

زندانی سیاسی آزاد باید گردد



کارومدیرکارخانه پشمپاشی مگردند...
حالاوظیفه ما کارگران است که با شرکت
فعال در انتخابات نمایندگان واقعی
خود را انتخاب کنیم. "سین خصوصیات
نماینده واقعی را برشمرده که دربخشی
از آن آمده است: "۱- بطور مرتب با
تشکیل مجمع عمومی کارگران را از
فعالیتهای خودیابیرکوده و از نظرات
آنها استفاده کند. ۲- همواره مافع
عمومی کارگران را به مافع فردی خود
ترجیح داده و با هیچ دستگاه و مقامی
برعلیه کارگران سازش نکند."



* * *
"کول دروغ پردازی کردستانی
مزدور را نخوریم" نام اعلامیه ای است که
کارگران پیشروکما (کارخانه محاسرات
ایران) منتشر نموده اند. در این اعلامیه
ضمن اشاره به یکی از ابتدائی ترین
خواستهای زنان کارگری یعنی ایجاد
شیرخوارگاه و مهدکودک، به سنگ اندازیها
و بیپناهیهای کردستانی (مدیرکارخانه)
اشاره کرده و سپس مینویسد: "کردستانی
و همه عوامل سرما به داری از بر آوردن -
خواستهای کارگران سر بازمی زنند -
آنها تا زمانی که ما بدون شکل و جد
از هم هستیم جوابی به خواسته های ما
نخواهند داد. ما تنها زمانی که در یک
شورای انقلابی متشکل شده و به مبارزاتی
متحد و یکپارچه دست بزنیم، قادر خواهیم
بود این خواست برحق خود را بسازیم -
خواستهایمان را از جنگ و خلق موم
سرما به داران و نوکران آنها بیرون
بکشیم."

* * *
مبارزه برای دریافت ۲۰ روز
سودویژه در بسیاری از کارخانجات
جریان دارد. سرما به داران در مقابل
این خواست بحق کارگران، با تئین بودن
سطح تولید را بهانه کرده و یا اتکا به
بخشنا می دولت از دادن ۲۰ روز سودویژه
خودداری می کنند. کارگران پیشرو
ایران و لئونود را بطنه با این مسئله
تراکتی منتشر نموده اند. در این تراکت
پس از طرح خواست کارگران در این
زابطه می نویسند: "تنها راه این است
که با تشکیل یک شورای واقعی و انتخاب
هیئت تحقیق کارگری میزان تولید
و سودا سال را حساب کنیم و دروغگوئی
سرما به داران را لوصفت را افشا نمائیم.
مدیران دولتی در کارخانهها پسران
نا سیونال هم فصددا شتند با استفاد از
این بخشنا می از پرداخت ۲۰ روز خودداری
کنند اما در ایران نا سیونال بسدون
توجه به این حرفها با اعصاب سه روزه
قدرت اتحادیوگانگی این مبلغ را از
حلقوم سرما به داران بیرون کشیدند."

* * *
کارگران کفش جم نیز برای دریافت
۲۰ روز حق تولیدی و سایر خواسته های
مبارزاتی داشته اند. کارگران پیشرو
گروه صنعتی بلادرابطه با این مبارزات
اعلامیه ای با نام "مبارزه برای تشکیل
شورای انقلابی ضامن پیروزی کارگران
است" منتشر نموده اند. در این اعلامیه
بقیه در صفحه ۸

نموده اند. در ابتدای اعلامیه به شرح
مبارزات کارگران پرداخته اند. این
مبارزات با تجمع کارگران بعنوان
اعتراض به اخراج دوش از همکارانشان
از روز ۲۴شنبه ۱/۲۶ شروع شده، و پس
از آنه خواسته های زیر داده می یابند:
اخراج مدیرعامل (با فرزاده)، رسیدگی
به پرونده اخراجیها با حضور نظر مستقیم
کارگران، لغو اخذ کارهای اجباری، بازگشت
به کارگران اخراجی و رسمی شدن
کارگران موقت. مدیرفد کارگران
که از تهدید کارگران نتیجه ای نگرفتند
به کارکنانی سرکوب رژیم جمهوری اسلامی
متوسل شده است. مزدوران مسلح رژیم
(ژاندارمری و...) کمک سیج و با
دستور دادگاه انقلاب!!! به کارگران حقه
کرده و پس از دستگیری آنها زکارگران
مبارز، مانع ورود بقیه به کارخانه شده
شده اند و بدینصورت مبارزات قهرمانانه
کارگران را سرکوب می کنند. کارگران
پیشرو و شهیدان از این توضیحات خوششان
ند: "کارگران و کارکنان شیرپا ستوریه باید
با انتخابات نمایندگانی مبارز و قاطع
از پس خود به اعتراض خود ادامه داده
خواستار آزادی یاران دربند خود گردند.
کارگران دلیر روز منده! هما نظور که
سرما به داران دست در دست یکدیگر و با
کمک دولت، حقوقمان را پایمال نموده
و علیه ما توطئه می کنند، ما نیز باید
بکدل و متحد بودیم و با حمایت قاطعانه
از کارگران مبارز شیرخواستار آزادی
کارگران زندانی و تحقق خواسته های
برحق آنان گردیم چرا که در همه مسائل
کارگران یکی است."

تهران

کارگران در رویش در سندسدارک
انتخابات برای تشکیل شورای واقعی
خود هستند. کارگران پیشرو این کارخانه
در رابطه با انتخابات شورا اعلامیه ای
منتشر نموده اند. در قسمتی از این اعلامیه
می نویسند: "در این میان انجمن سلامتی
سی بر آن دارد که خود را انقلابی و
طرفدار کارگران جا بزند، غافل از اینکه
هنوز با ما نرفته همین افراد تخم
در اسفند ماه ۵۸ چه بر سر کارگران اعصابی
آوردند و با قبل از عید همین امسال وقتی
ساعت کارمان اضافه شد چطور از وزارت

قائم شهر

کارگران پیشرو قائم شهر اعلامیه ای
تحت عنوان "نماینده واقعی کیست؟"
منتشر نموده اند. در قسمتی از اعلامیه
چنین آمده است: "شورای قبلی نتوانست
در جهت خواسته های واقعی ما کارهای
جدی بردارد. دلیل این امر وجود
تعدادی نماینده غیر واقعی و عدم
ارتباط شورا با کارگران بوده است.
پس بر این وظیفه سنگ است که
آگاهانه با انتخاب نماینده واقعی
خویش به ایجاد شورای واقعی بپردازیم
و پس از برشمردن خصوصیات نماینده
واقعی می نویسند: "تنها با انتخاب
نمایندگان واقعی شورا حای مافع
کارگران گشته و به سنگرمبارزه ضد
امپریالیستی تبدیل می گردد."

تبریز

"تشدیدات خنثی آخرین حربه جمهوری
اسلامی! عنوان اعلامیه ای است که
کارگران پیشرو تبریز منتشر نموده اند.
در قسمتهای از این اعلامیه آمده است:
"امروز در کارخانجات تبریز مخصوصا در
ماشین سازی، اعمال فشار به کارگران با
ایجاد جو خفقان شدت با لا گرفته است.
دولت بخاطر اینکه کارگران خواسته های
برحق خود را مطرح نکنند، و در راه رسیدن
به آنها دست به مبارزه نزنند، پیش دستی
کرده و به عوامل خود دستور میدهد که با
کارگران ماشین سازی آنگونه رفتار
کنند که عوامل ساواک با آنان رفتار
می کردند... آنان بیهوده میکوشند که
با جایگزین ساختن روز منده ها، بیکاران
و تهدید به اخراج و دستگیری کارگران
انقلابی و فعالین سیاسی در کارخانه،
کارگران را از مبارزه در راه خواسته های
برحق رفاهی و سیاسی خود با زدنند!
چون کارگران میدانند که نه اخراج و نه
هیچ چیز دیگری نمیتواند راه مبارزه
آنان را برای مدتها سد کند. کارگران
تجربه کردند که نمیتوانند با تشکیل
صندوقهای تعاونی و صندوقهای بیکاران
و اخراجیها مبارزه را همچنان ادامه
داده و نتواند بمخشد. به تجربه
دریافتند که با ایجاد شوراهای انقلابی
خود نمیتوانند به خواسته های مطالبات
خویش جامه عمل بپوشانند."

مشهد

"دستگیری بیش از ۱۰۰ کارکنان و کارگران
مبارز شیرپا ستوریه لکه سنگی برداشتن
دولت جمهوری اسلامی! عنوان اعلامیه ای
است که کارگران پیشرو مشهد در حمایت
از مبارزات کارگران شیرپا ستوریه
(واقع در ۲۰ کیلومتری قوچان) منتشر

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)
هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم



اخباری از شوراهای کارخانه‌ها

شیراز

شوراهای کارکنان صناعت نفت تراش تجربه‌ای که از مبارزات باستان آموختند به صورت همگامی و حمایت همه‌شوراها با یکدیگر پی برده‌اند از این رو برای پاسخگویی به این ضرورت، شورای کارکنان پالایشگاه شیراز شورای کارکنان نفت آبادان در تاریخ ۶۰/۱/۹ جلسه مشترکی داشته‌اند، در این جلسه مسائل و مشکلات هریک مطرح شده و راه حل‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. این دوشورا به این نتیجه رسیده‌اند که نمینوان از پالایشگاه انتظار کمک داشت و تنها ضامن پیروزی آنها همبستگی کلیه شوراهاست. صنعت نفت است، در این جلسه بر حمایت شوراها از یکدیگر برای دستیابی به خواسته‌های بحق کارکنان هریک از بخش‌های صناعت نفت تاکید شد و نود و یک خط مشی مشترک برای کلیه شوراها سی صنعت نفت ضروری شناخته شد.

روز سه‌شنبه ۶۰/۱/۱۱ مجمع عمومی کارکنان جنک زده صناعت نفت در شیراز برگزار شد. در این مجمع علاوه بر مسائلی چون بازنشستگی، خواریا، پرداخت عیدی، مسائلی در رابطه با مسئول ستاد امور جنک‌زدگان و شوراها، ساغلین، خیر دستگیری دوشن دیگر کارکنان نیز به اطلاع افراد حاضر در جلسه رسید. یکی از نمایندگان درباره وضع نما چند رتدانی چنین اظهار داشت: "چند ماه است که با کمال حس نیت از این اداره به آن اداره میرویم طبق آخرین تصمیمی که داشتیم به وزارت کشور جهت آزادی نماینده‌ها رفتیم. نتیجه‌ای که تا کنون گرفته‌ایم این است که نمایندگان ما را فقط در رابطه با شکایت‌ها دادات کفیل وزارت نفت دستگیر کرده‌اند و بی‌برده‌ایم که اونوا یکی خصوصی نمایندگان ما می‌باشد!"

جنک‌زدگان صناعت نفت روز ۶۰/۱/۲۰ طبق فراز قبلی برای تشکیل مجمع

همراه با او جگیری مبارزات کارکنان در زمینه‌های گوناگون، رژیم‌جمهوری اسلامی به مقابله شدید تر با کارکنان پرداخته است و هر روز بیشتر از گذشته به دست آوردهای مبارزات کارکنان - با توسل به سرکوب و اختناق - پیش می‌رود. یکی از محورهای این رودزروئی کارکنان رژیم جمهوری اسلامی اکنون شوراها هستند. کارکنان که در اثر تجارب مبارزاتی خود هر چه بیشتر به لزوم وحدت و شکل برای پیشبرد مبارزات خود پی برده‌اند از اینرو ملتانی برای ایجاد شوراهای انقلابی را شدت بخشیده‌اند. بطوریکه اکنون مبارزه برای تشکیل

عمومی به محلی که استانداری در اختیارشان گذاشته بود مراجعه کردند. علیرغم اینکه محل توسط پاسداران کنترل میشد و به شنا ساساتی افراد می‌پرداختند هر هفته مجمع عمومی تشکیل میشد. اما در این روزها مورین اداره حراست و چنند ما مور شهر بانی به آنجا آمده و مقدم بر هم زدن مجمع را ادا کردند که موفق نمیشوند. پس از اینکه کارکنان با سختی زیاد و بهانه‌های مختلف وارد ساختمان شدند، پاسداران کمیته مرکزی شیراز به محصل مجمع آمدند و با توسل به قانون احزاب و گروهها تشکیل این مجمع را غیر قانونی دانستند. اما جنک‌زدگان مبارز صناعت نفت شیراز با تمام مشکلاتی که سیاه و... وجود آورده بودند مجمع عمومی شان را تشکیل دادند.

ماهشهر

دو نفر از نمایندگان کارکنان جنک زده صناعت نفت در ماهشهر توسط سپاه پاسداران دستگیر شده‌اند. یکی از دستگیر شدگان نماینده شورای سراسری جنک زدگان است که برای بهبود وضع آوارگان جنک فعالیت میکند.

تهران

روز سه‌شنبه ۲۵ فروردین، شورا عالی صنایع دفاع، کنکزه‌ای فرما پیشی برگزار نمود. از آنجا که اکثر شوراها صنایع دفاع فرما پیشی هستند، نمایندگان شرکت کننده در این کنکزه اکثر از عوام مسل مدیریت وانجمن اسلامی بودند. در این کنکزه در باره اساسا ما شورا بحث شد. در اساسا مقابله‌ای که توسط نمایندگان واقعی کارکنان کارخانجات مختلف صنایع دفاع و در حمایت از منافع کارکنان و زحماتشان تصویب شده بود، تغییرات اساسی داده شد. بعنوان نمونه ما هم ضد استعمار، ضد استعمار، ضد استعمار استبداد از اهداف شورا حذف شد!؟ و با اینکه نمایندگان انتخاب شده با پیروزی توسط انجمن اسلامی و اداره سیاسی -

شوراها، تجدید انتخابات شوراها - فرمایشی، افساء و اخراج افراد مزدور و سازتکار از شوراها، تشکیل مجمع عمومی در بسیاری از کارخانجات توسط نماینده کارکنان جریان دارد. از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی با شیوه‌های گوناگون از انحلال شوراها، انقلابی، دستگیری و اخراج نمایندگان واقعی و... گرفته تا جلوگیری از تشکیل مجمع عمومی، به مقابله با کارکنان پرداخته است. اخبار زیر نمونه‌هایی از این رودزروئی - کشاکش میان سرمایه‌داران و دولتشان برای تپه کردن شوراها - از محتوای انقلابی‌شان و مبارزه کارکنان برای ایجاد و تبدیل شوراها به وسیله ای موثر برای کسب خواسته‌هایشان و پیشبرد انقلاب - است. ●

ایدئولوژیک تا شد شوند!! و... از آنجا که کنکزه‌ها اعمال نفوذ و استکان رژیم حامی سرمایه‌داران تشکیل شده اعتراضات نمایندگان می‌هم که مخالف مواد ضد کارگری اساسا ما جدید بودند یا بی‌ترسید، اما کارکنان مبارز صنایع دفاع تسلیم این اقدامات ضد انقلابی نخواهند شد.

کارکنان پنهان شرکت پیشیانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران (سرای حفظ شورای انقلابی خود میکوشند. در مجمع عمومی ای که شورای کارخانه در روز ۶۰/۲/۷ علیرغم مخالفت‌های مدیرعامل وانجمن اسلامی برای گزارش به کارکنان و پاسخگویی به سئوالات آنان تشکیل داده بود، کثرت کارکنان شرکت کردند، و این در شرایطی بود که مدیریت اعلام کرده بود که "هرکس در مجمع عمومی شرکت کند غایب محسوب میشود!" کارکنان پنهان در این مجمع وحدت خود و شورا پیشان را تحکیم بخشیده و مشت محکمی بر دهان مدیرعامل وانجمن اسلامی کوبیدند.

کارکنان مبارز مکانیک، نمایندگان سازشکار شورای فرما پیشی را بر سر میست نشناخته و مدیریت را وادار کردند که انتخابات را مردود اعلام نماید. در باره کارخانجات صنایع دفاع نیز چون پارچین، صنایع هواپیمایی، گما، جنک آفراسازی و... کارکنان در حال مبارز برای تشکیل شوراها، انقلابی خود قیام کنند.

کارکنان کارخانه فیلور نیز با آئین نامه وزارت کار برای انتخابات وظایف شوراها به مخالفت برخاستند. نمایندگان مترقی قسمتها به افشانی مواد آئین نامه پرداختند و طی جلساتی افراد انجمن اسلامی و شورای فرما پیشی را که موافق بیاید شدن آئین نامه هستند به محاکمه کشیدند، یکی از جلسات در حالیکه نمایندگان قسمتی، افسر داد

بقیه در صفحه ۱۲

رهبری طبقه کارگرو ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

سرکوب دهکده داران به بهانه انقلاب فرهنگی

با ردیکور در روز سه شنبه ۱۵ اردیبهشت ماه بسیاری از دهکده داران اطراف خیابان صدق در محدوده خیابان فاطمی و میدان ولی عصر توسط کمیته مرکز و با حکومت دادگاه مبارزه با منکرات تخریب شد. ما بارها گفته ایم دولت جمهوری اسلامی خود مسبب اصلی شد دروازه فتنه و بیکاری فقرتوده ها است و دهکده داران نیز یکی از عوارض بیکاری و یکی از اشکال بیکاری پنهان میباشند. رژیم در عوض مبارزه با بیکاری به مبارزه با بیکاران پرداخته و هر روز به بیانه های گوناگون دست به تخریب دهکده ها میزند. با پداندست که این شکل از برخورد بیگانه ما حبابان دهکده ها را که مسلماً "بیرا شرف و نفرت انگیزی و بیکاری به این کار روی آورده اند به کارهایی چون دزدی و گداشی روانه سازد نتیجه ای در پی نخواهد داشت.

اما نکته جالب اینجاست که اینبار دولت ادعا میکند نه بخاطر بیکاری شهر (که بهانه تخریب های قبلی دهکده ها بود) بلکه بخاطر مبارزه با فروش نوارهای مبتذل دست به این عمل زده است. در این ساله دولت نهفته است اول آنکه با کمی توجه به عملکرد دولتی رژیم بخوبی روشن میشود که دلیل اصلی حملات وحشیانه به دهکده ها فقط مبارزه با نوارهای مبتذل نبوده بلکه این عمل نیز در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم در مقابل گروهها و نیروهای مترقی است. در این رابطه روزنامه جمهوری اسلامی ۲/۱۶ می نویسد "جمع آوری دهکده ها بدلیل پخش نوارهای مبتذل و عامیانه و نوارهای گروهکها و سازمانهای سیاسی بوده است".

اما نکته دیگر اینست که نه تنها نمیتوان وجود نوارهای مبتذل و موهوع را انکار نمود بلکه باید به رشد روزافزون گرایش به این چنین فرهنگی که نمونه با رزان در افزایش فروش اینگونه نوارهاست اذعان کرد. اما باید پرسید چه کسی مسبب اصلی روی آوری توده ها به فرهنگی این چنین مبتذل است؟ مسلماً مسبب اصلی کسی بجز رژیم جمهوری اسلامی و سرمداران آن نیست. شاه جلاد جهت پیشبرد سیاستهای امپریالیسم جهانی سعی داشت فرهنگ مبتذل و کثیفی را در سطح توده ها شایع دهد تا بدین طریق در عین ایجاد بازار وسیع جهت غارت و جپاول هر چه بیشتر خلقها از جمله تجارت مواد مخدر، مشروبات الکلی و... بنیواند تا بتدریج فکسار توده ها جلوی مبارزات آنان سد ایجاد نموده و فکسار جوانان زحمتکش را به انحراف بکشاند. توده های خلق زمانی که بسا

شهرداری همچنان در خدمت طبقات مرفه!



در کیهان یکشنبه ۱۳ اردیبهشت می خوانیم: «اهاالی فیروز آباد، حمل زباله هایشان را را با "بهده گرفتند و در مشروح گزارش آمده که: اهاالی فیروز آباد شهری با جمع آوری ۵۲ هزار تومان، ماشین خریدند و از سوی شورای محل یک راننده و راننده نیز برای حمل زباله های خود استخدام کردند. این امر در حالی صورت میگیرد که در شمال شهر، هر صبح ماشینهای حمل زباله شهرداری با جمع آوری خاکریزها می بردند و هر کوی و برزن یک مأمور نظافت مخصوص دارد. اما در مناطقی جنوبی شهر که محرومترین و در عین حال زحمتکش ترین هموطنان ما زندگی میکنند آنقدر زباله ها برجامی مانند کوجهای تنگ و معابر محدود را سدود می کنند و محل تجمع مگس و زب میگردند می شوند و مردم محل مجبور می شوند بخشی از درآمد ناچیزشان را صرف خرید ما شیزوا استفاده رفتگر نمایند.

دلیلش روشن است دولتی که حامی طبقات مرفه و سرمایه داران و تجار بزرگ با شد طبیعتی است که بیشترین امکانات رفاهی را برای آنان در نظر میگیرد. اگر شهرداری امکان نظافت و جمع آوری زباله را ندارد چگونه است که در شمال شهر این امکان وجود دارد و در جنوب شهر و مناطق فقیرتشین، مردم خود مجبور به تهیه ماشین حمل زباله می شوند. اگر هنوز مردم زحمتکش ما حتی از کمترین حقوق یک شهرتشین محرومان خود دلبلی است بر ما هیت دولت و هر روز که می گذرد توده ها در تجربه روزمره بیشتر از پیش به ما هیت خدا انقلابی رژیم پی میبرند زحمتکشان میهن ما باید با اتحاد و تشکل خود در شورا های محلی و اعتراضات مداوم دولت را وادارند تا بندگی خدا قل امکانات رفاهی و بهداشتی ز جمله ماشین حمل زباله را برای آنها فراهم آورد. تنها و تنها ما را بیکریست که دولت را مجبور خواهد کرد همین حداقل امکانات را فراهم آورد»

جانبا زیبهای قهرمانان خود قیام کردند انتظار داشتند تمامی مناسبات رژیم شاهنشاهی تغییر بی بنیادی کند، توده ها همانگونه که انتظار تحقق استقلال، کار مسکن و آزادی را داشتند، فرهنگی انقلابی، هنری انقلابی و روابطی انقلابی بر جامعه مسلط گردد. و بحق نیز در این راه گامهای مثبتی برداشتند، بخاطر بیباوری و شجاعت ما ههای قبل و پس از قیام جه شور و شوقی بر توده ها حاکم بود، چگونه همیاری و کمک به یکدیگر در تمامی وجوه زندگی مردم حاکم گشته بود، چگونه حرکات مبتذل، فرهنگ کثیف شاهنشاهی، الفاظ رکیک و همه و همه به سطحی بسیار نازل تنزل یافته بود و چگونه حتی دزدی و قتل، آمار بی پائین داشت. اما رژیم جمهوری اسلامی از ابتدا همانگونه که تمامی زمینه های انقلاب را سد کرد در این زمینه نیز به سدی در جلوی رشد فرهنگ انقلابی توده ها بدل شد. رژیم که از ابتدا به با زسازی تمامی جنبه های سرمایه داری وابسته همت گماشته بود از سویی جلوی اشاعه و رشد فرهنگ انقلابی توسط نیروهای مترقی را گرفت و به سرکوب آنان پرداخت. همه بسا ددا رنده که چگونه شما پشایات انقلابی، تا ترهای مترقی را اجازت نمایش نمی یافتند و با مورد پوش قرار می گرفتند. چگونه جلوی ورود نیروهای انقلابی به رادیو و تلویزیون سدگشت و نیروهای انقلابی موجود نیز تمفیه شدند. چگونه دستگاههای سانسور مطبوعات و سینما با زسازی شد، چگونه جلوی انتشار نشریات و مطبوعات مترقی گرفته شد و چگونه فیلمهای انقلابی یا اجازت نمایش نیافت و یا به زیر قیچی سانسور تکه تکه شد. بدین طریق رژیم جمهوری اسلامی به مقابله با هرگونه فرهنگ انقلابی و مترقی برخاست.

از سوی دیگر با در انحصار گرفتن تمامی وسایل ارتباط جمعی به شاهسه فرهنگی ارتجاعی پرداخت. سینماها با ردیکور صحنه تاخت و تاز فیلمهای یکا رانه و وسترن و سایر فیلمهای آمریکائی گشت سینمای مبتذل تجارنی اینیسار در راه ساختن فیلمهای "مکتبی" قرار گرفت رادیو و تلویزیون به مرکز شاهه فرهنگ ارتجاعی و دامن زد به خرافات بدل شد. رژیم بدین طریق با جلوگیری از ارائه و اشاعه هرگونه فرهنگ و هنر انقلابی و با دست زدن به شاهه فرهنگی ارتجاعی زمینه مساعدی جهت رشد فرهنگ مبتذل فراهم آورده است.

اما مساله دیگری که باید در نظر داشت اینست که رژیم جمهوری اسلامی حتی در شیوه به اصلاح مبارزه خود بسا مظا هراین فرهنگ مبتذل نیز فقط و فقط در جهت سرکوب توده ها حرکت میکند و بسا شاهدیم که دهکده داران زحمتکش هر روز به بهانه جلوگیری از فساد و فحشاء و نوارهای مبتذل سرکوب می شوند اما تجار و سرمایه داران به راحتی به تجارت پرسود ویدیوهای رنگارنگ و ترفیو ادان کلوب و باشگاه ویدیوگرا به وفشروشن کثیف ترین و مبتذل ترین فیلمها و نوارها و مقالات مشغولند»

با انکاء به نیروی توده ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم

گلوله پاسخ خواسته‌های کارگران بندر امام خمینی

در آستانه اول ماه مه - روز جهانی کارگر - رژیم مداخلتی جمهوری اسلامی ایران توسط پاسداران جنايتكارش - کارگران نارانداز بندر امام خمینی را که برای برآوردن خواسته‌های منفي‌جوش دست به راهپيمايی زده بودند به خاک و خون کشيد. پس از اين حادثه، خشم و کنگه کارگران و زحمتکشان سربند را در برابر گرفت و شعله‌های اعتراض از هر سو بلند شد. روز دوشنبه ۶۰/۲/۷ کارگران تخلیه و بازگيري بندر امام خمینی که از مدت‌ها پیش برای برآوردن خواسته‌های ابتدائی خویش در حالت اعتراض به سر می‌بردند، به منظور احقاق حقوق خود دست از کار کشيدند. خواسته‌های کارگران عبارت است از اضافه حقوق، مسائل ایمنی و رفاهی از قبيل کلاه، دستکش، تواليت آب، يخ، - آمولاسی (لازم به تذکرات که چندی پراثر نبريدن طناب جرثفيل، محموله بروی کارگران افتاد و چون آمولانس نبود، چهار تن به علت نرسيدن به بیمارستان کشته شدند). روز دوشنبه ساعت ۷/۳ صبح کارگران در يکيري خواسته‌های خود، دست به راهپيمايی زدند. راهپيمايی بلافاصله با استقبال سایر کارگران بندر و نیرو شد. بعد از مدتی راهپيمايی، پاسداران به صف کارگران يورش برده و به سوی آستان تيراندازی کردند که چندان از کارگران زخمی شدند.

عمل وحشیانه پاسداران خشم و تنفر کارگران و سایر توده‌های زحمتکش را برانگیخت. در تمامي شهر صحت از سرکوب کارگران توسط پاسداران سرمايسه بود. کارگران نیز در ادامه مبارزه خود، شهردار را به گروگان گرفته و به افشای ما هيت ضد مردمی رژیم پرداختند. کارگران فریاد می‌زدند: «چندین سال است که کمر ما زير بارين کار خمشده، قیلا، پيمان - کاران ريز و درشت حق ما را می‌خورند، حالا پيمان‌نکار بزرگتری به اسم دولت مگر ما چی گفتيم، چه خواستيم که جوایمان را با گلوله دادند، آیا ما درگرمای ۵۰ درجه با بديزیریا رهاي سنگين لوله بزنيم حق نداريم آب خنکی داشته باشيم؟ حقوق مسا مگر چقدر بود که با آزان کم کردند با اين گران چی کارکنيم؟»

عصر سه شنبه ۶۰/۲/۸ مجدداً کارگران و مردمی که آزانها حمایت می‌کردند، برای انجام تظاهرات جمع شدند، راهپيمايی با شعار «کارگر زندانی به همت توده‌ها آزاد يا نيک گردد» شروع شد، توده‌ها آزارها پيمايی استقبال می‌کردند: «ظنين شعار کارگران اتحاد، زحمتکشان اتحاد علیه امپرياليسم علیه سرمايه دار، شورويچان يکپارچهای در زحمتکشان ایجاد می‌کرد، شعار ره‌نمای دیگری مانند «شورا، شورا سگرز زحمتکشان» در میان جمعيت ظنين افکن بود.

روز دوشنبه چهارشنبه ۶۰/۲/۹، خانواده‌های کارگران بازداشتی ضمن يسک راهپيمايی خواستار آزادی بستگان خود شدند. مبارزات کارگران بندر امام خمینی پا يان نيافت و کماکان در جهت کسب حقوق جف و خویش ادامه داشت.

مفهوم مستضعف در قاموس جمهوری اسلامی!

دو هفته پیش لایحه مربوط به سرفه اجرای احکام دادگاهها جهت تخلیه منازل استیجاری در مجلس رد شد و بدنبال آن هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در مصاحبه‌ای که در روزنامه کیهان سه شنبه ۱۹ اردیبهشت بجای رسید به دفاع از این مصوبه مجلس پرداخته اما طبق معمول تحت پوشش بغایت زیرکانه دفاع از مستضعفین.

او در پاسخ مصاحبه کننده که می‌پرسد: «اینکه مستاجرین در زمان رژیم گذشته مورد ستم بوده اند و امروز هم اجازه نشیان مستضعف یا پرداخت اجاره‌های اجاره‌بهای سنگین که کیهان کل درآمد آنها را می‌بلعد، مورد ستم مالکان مستکروا قسح می‌شوند، جمهوری اسلامی چه موقع و چگونه آنها را مورد حمایت قرار می‌دهد؟» گفت: «مدتی بود که انتظار لایحه مالک و مستاجر، یک مسکنی بود که وقتاً جلوی در بگیری مستاجر آن گرفته شود و لسی نقاط ضعفی هم داشت. من جمله اینکه حل این موارد با اینطور نیست که مستکرم بخواد مستضعف را از منزلش بیرون کند که می‌تواند مستضعف بود و در زمان ما مستضعفین هم هستند که می‌خواهند

داده، امرا حداث مترو را در تهران (البته بخرج مردم تهران) بگیری کند. از آنجا که این اقدامات و تصمیمات مردم را به یاد دکترونیک پی معذور - میاندازد، باید منتظر بود به سیاق محمد رضا مهدوی که شبا هت اسمی خود را با محمد رضا پهلوی تکذیب کرد، شبا هت اسم دکترونیک روش با دکترونیک پی و شبا هت سطحی اعمال و نیات شان نیز تکذیب شود. همان طور که تاکنون شبا هت ماده صد شهرداری شاهنشاهی و ماده صد شهرداری اسلامی تهران که به استناد آن خانه‌های مردم زحمتکش با بولدو زهای «اسلامی» بر سرشان خراب میشود، تکذیب شده است.

کارگران پیشرو فیلورا اعلامیه‌ای تحت عنوان «آئین نامه شوراها: به نفع سرمايه داران، علیه کارگران!» منتشر نموده اند. در این اعلامیه پس از اشاره به آئین نامه شوراها که از طرف وزارت کار بمنظور تشکیل شوراها ی قلابی و تهی کردن شوراها از مضمون انقلابی آنها صورت گرفته، می‌نویسد:

«ما میگوئیم: تنها خود کارگران حق دارند در باره نمایندگان خود اظهار نظر نمایند. نه کسانی که در وزارت سرمايه لم داده اند. ما میگوئیم: آئین نامه شوراها و همه قوانین کار باید توسط مجمعی از نمایندگان منتخب کارگران نوشته شود، نه نمایندگان سرمايه داران در وزارت کار که بعد از گذشت ۲ سال از سرنگونی رژیم جنایتکار شاه هنوز ماده ۲۲ قانون ضد کارگری آریا مهری را اجرامی کنند. بگوئیم با اشتغال نمایندگان واقعی شورا را به سنگری علیه امپریالیسم و سرمايه داران تبدیل کنیم.»

این دکترونیک روش است به دکترونیک بی

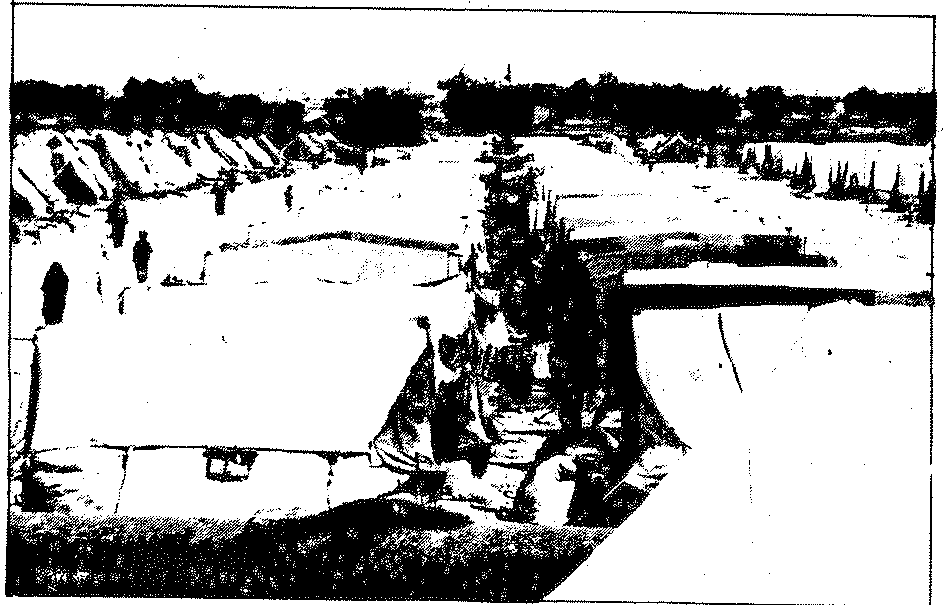
دکترونیک روش، شهردار تهران طوسی مصمم است خانه متجاوزین به اراضی دولتی و غیر دولتی را همچنان بر سرشان خراب کند، مصمم است ریشه دکه‌های را از بیخ ببرد، زیرا دکه‌های آن سعی در برهم زدن نظم عمومی دارند، مصمم است برای حل معضل ترافیک، در همراهی با «بیکان گران» شرکت ایران ناسیونال که سفارش خرید قطعات ۵۰ هزار بیکان را



از اعلامیه‌ها، کتابها و نشریات بقیه از صفحه ۵ می‌نویسند: «اعتصاب کارگران مبارز کفش جم در روزهای یکشنبه و دوشنبه ۳۰ و ۳۱ فروردین ماه جواب دندان شکنیه مدیریت ضد کارگر خانه و دولت حامی آنان بود. در ادامه میس از ذکر مخالفت مدیربا خواستهای کارگران، به شرح فعالیت مدیریت و انجمن اسلامی و نمایندگان سازشکار شورا برای جلوگیری از حرکت کارگران و ایجاد تفرقه بین آنان می‌پردازد. در ادامه خطاب به کارگران کفش بلا جم و همپوش مینویسد: اعتصاب کارگران کفش جم قدرت اتحاد کارگران را نشان داد و تنها با حمایت متحد و متشکل ما از این مبارزات است که مدیران و دولت حامی آنان را به عقب نشینی وادار خواهد ساخت. بیکار چه و بیکار می‌آرزو برای تحقق خواسته‌هایمان با تشکیل شورای انقلابی ادامه دهیم. پیش سوی تشکیل شورای انقلابی کارخانه!»



برآوارگان چه می گذرد؟



یکی از اردوگاههای آوارگان. دهه دوم ۱۳۶۰

گزارشهایی از اردوگاههای آوارگان

رامهرمز، تبعیدگاه آوارگان

رامهرمز عمدتاً " منطقه‌ای کشاورزی است و امکانات رفاهی بسیار کمی و ناقصی دارد. جمعیت شهر و حومه آن ۷۵ هزار تن می شود. خود را مهریزی های شهرشان را تبعیدگاه می نامند، همه ی کمبودهای رفاهی و شهری با عوارض و عوامل نامساعد طبیعی و جوی، دست به دست هم داده و محیطی بسیار طاقت فرسا برای زندگی بوجود آورده اند، آنچنان که برای اهالی حالت تبعیدگاه دارد. آب آشامیدنی شهر خیلی کثیف است، البته همین آب کثیف هم بسیاری اوقات در ۲۴ ساعت فقط ۱ ساعت جریان دارد. بیمارستان با تخت خواب ندارد و تنها یک داروخانه‌ای نامحضر، با داروهای محدود در اینجا است. دو عدد حمام مخروبه دارد که همیشه دم در آنها، صف بسته شده است. گرمای خشکی دارد و ما روعقرب در این منطقه بسیار زیاد است. از معطلات و کمبودهای محیطی و بهداشتی که بگذریم، کمبود شدید نان، گوشت و سبزی و میوه و سایرما یحتاج اولیه، اهالی را در فشار و تنگنا قرار داده است و ...

با شروع جنگ، طبق آمار رسمی، حدود ۲۰ هزار تن از خرمشهر، سوسنگرد،

آبادان و سایر مناطق جنگ زده به این شهر پناه آورده اند. در حدود هفتاد هزار تن از این آوارگان در روستاها زندگی می کنند و بقیه در مدارس، اسنادیوم، پیشاهنگی و در چند اردوگاه خارج از شهر اسکان یافته اند. علاوه بر این در خانه شهر و روستاها نیز، خانواده های آواره چادر زده اند.

حتی در بهترین مناطق واره نشین را هم میز که اردوگاه بیای شهرک تجرک " آزادی"، سلمان و صادقیه هستند. آوارگان از عدم بهداشت، مار و عقرب، گرما و کمبود شدید خورد و خوراک و لباس، شکوه و شکایت دارند. بدیهی است که بیکاری بی پولی راهم می باید جزو دغدغه ها مشکل چاد آوارگان به حساب آورد. اکثر آوارگان ساکن این منطقه، از محرومترین طبقات و اقشار خلق عرب ایران هستند. در اینجا همان تقسیم بندی الف و ب و ج مرسوم است. به بخش الف چون حقوق بگیرند، جیره رایگان و مستمری تعلق نمی گیرد، اما به بخش ب و ج که ۶ هزار تن می شوند، جیره رایگان و مستمری بخور و نمیری می دهند. این جیره برای هر نفر در ماه عبارت است از: ۲ کیلو برنج، صد گرم چای ۴۵۰ گرم روغن ۴۰۰ گرم بودر، ۱ کیلو حبوبات، ۱ کیلو خرما، ۱ کیلو بیاض و سیب زمینی، ۵ کیلو آرد (که سهمیه اصلی ۹ کیلو است)

بقیه در صفحه ۱۲

ایده

شهرستان ایده که در ۲۴۰ کیلومتری اهواز قرار دارد در نوزدهمین هزاره آواره را در خود جای داده است. ۱۲۵۰ دستگاه، ۲۵ دستگاه منازل سازمانی، صد دستگاه منازل معلومان، جاهای هستند که آوارگان در آنها سکونت دارند. همچنین چندین خانوار در منازل سازمانی روزی که شرایط بهداشتی بسیار بد و نامناسبی دارند، سینه بسته کرده اند. در دانشسرای مقدماتی نیز که هنوز با ختمان آن کامل نیست، گروهی از آوارگان در اتاقهای بی در و پنجره و چادرها زندگی می کنند. زمستانهای ایده خیلی سرد است و آوارگان، زمستان سختی را سپری کردند و اکنون با فرارسیدن فصل گرما، با اوضاع اسفبار و وضع بهداشتی، کم آبی، کربس، کربس آنان است. آوارگان ساکن ایده نیز از بیابست مواد غذایی، وسایل زندگی و بی پولی و دوا و درمان شدیداً در مصیبت هستند. یکی از زبان عرب خرمشهری، آواره می گفت: " این هم شد زندگی، مگر ما انقلاب کردیم که آواره شویم، این جنگ را ما بدبخشان با بد تحمل کنیم. نوهرم از کار افتاده و هیچ کسی نیست که زندگی ما را نماند کند، با هزار داد و بیداد یکی دوبا را فرمانداری - مقداری برنج و روغن گرفتیم، این جبهه، احتیاج به غذا دارند، چه کار کنیم، برم کدائی؟ جبهه ها مریض شدند، به دکترین دولتی رفتم، دکتر گفت با بدیویزیست، دهی، از آن طرف دولت می داد میزند، بهداشت مجانی، فلان مجانی، پس کو؟"

امیدیه اهواز

در ساختمانهای بلوکی بی سقف و در بیکر خاکیه خیابان اصلی ایده، و در چادرهایی که در محوطه ای همسین بلوکی ها برپا است، بیش از ۲ هزار آواره در شرایط نامناسب و سخت اسکان یافته اند. خانواده های آواره با پلاستیک و چادر و چیزهایی از این قبیل، سقف ساخته اند، اخیراً " طوفان پلاستیک" سقف یک خانه را از جا کند و بلوکی سیمانی که آنرا نگه می داشت سر روی نوزادی افتاد و او را کشت.

لجن و خاک سراسر محوطه ای مجموعه را پوشانده است، بجه ها در خاک و خسل وول می خورند، شیرهای آب بسیار کم هستند و فقط بعضی از خانه ها سیرق دارد. اکثر خانواده ها از جوب و "بهن" برای سوخت استفاده می کنند. آوارگان اینجا عمدتاً " از کتا و وزان محروم خلق عرب هستند، به همین دلیل کا و کوکوفندی اکردا شده اند به همراه خود آورده اند. همچنین مثل خیلی از اردوگاهها دیگر اینان با ایجاد تنگنا و مورد فشار خود را می برند. به این اردوگاه هر روز بقیه در صفحه ۱۲

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

ادامه محاکمه انقلابیون ترکیه

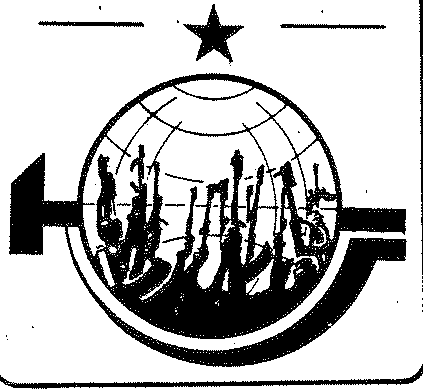
باتهام کشتن مستشاران آمریکائی

همزمان با گسترش مبارزات انقلابی زحمتکشان و نیروهای انقلابی ترکیه علیه دارودسته کودتاچیان آمریکا، پیدادکاهای نظامی به محاکمات دسته جمعی انقلابیون ادامه می‌دهند. از جمله این محاکمات می‌توان به محاکمه ۱۲۸ تن از اعضای یک سازمان انقلابی چپ به اتهامات گوناگون از جمله کشتن ۴ مستشار آمریکائی در زمان رژیم گذشته (دسامبر ۱۹۷۹) اشاره کرد. دادستان نظامی برای رفیق حسن سن سوی رهبر واحد تبلیغ مسلحانه این سازمان ۵۵ تن از اعضای دیگر آن تقاضای اعدام نموده است. اسوی دیگر

مبارزات انقلابی خلق کرد در این کشور علی‌رغم سرکوبها و اعدامهای بی‌درپی انقلابیون همچنان در حال گسترش است. هفته گذشته طی درگیریهایی که در کردستان ترکیه صورت گرفت ۳ تن از اعضای حزب کارگران کردستان شهید و تعدادی دستگیر شدند. طبق یک شیوه کهنه شده بورژوازی ارتش بعد از هر درگیری معمولاً ادعای کندنه جنبش را ریشه کن کرده است. اما هنوز مرکب چاپ اعلامیه‌های نظامی خشک نشده است که انقلابیون ضربات جدیدتری را در نقطه‌ای دیگر بر بیکر رژیم فرودمی آورند.

جنبش جهانی

کارگری - رهائی بخش



اعتصاب تکنسینهای پرواز دریونان

۱۷۰۰ تن از تکنسینهای پرواز شرکت هواپیمائی المپیک یونان از ساعت ۵/۵ بعد از ظهر روز ۱۸/۲/۱۳۶۰ اعتصاب چهار روزه خود را آغاز کردند. اعتصاب کنندگان خواستار شرایط بهتر کار از جمله هروز کار در هفته و افزایش نرخ دستمزد و گفتگوی مستقیم مدیریت با سندیکا هستند. آنها همچنین به اخراج یکی از همکاران خود که بخاطر شرکت در اعتصاب اخراج شده بود، اعتراض دارند.

دولت یونان طبق معمول همه سرمایه‌داران، این اعتصابات را غیر قانونی خواند و پلیس سرکوبگر این کشور رئیس و دبیرکل اتحادیه کارمندان را دستگیر کرد.

راهپیمائی کارگران درهند

هند - ۱۸/۲/۱۳۶۰ کارگران شهر صنعتی بنگلور در ایالت کرانائای هند در اعتراض به دستگیری یکی از رهبران خود که در اعتراض به زندانی شدنش دست به اعتصاب غذا زده است اقدام به یک راهپیمائی اعتراضی کردند. راهپیمایان هم چنین خواستار افزایش دستمزد خویش به نسبت افزایش قیمت‌ها بودند. پلیس سرکوبگر هند طبق روال همیشگی اش در دفاع از منافع سرمایه‌داران، این تظاهرات کارگری را با استفاده از جفاک و گاز اشک‌آور و سلاحه موردیورش سرار داد و تعدادی از تظاهراتکنندگان را مجروح نمود.

ادامه اعتصاب قهرمانانه معدنچیان شیلی



اعتصاب ۱۰۰۰۰ کارگر مبارز معادن مس "تینته" سومین هفته خود را پشت سر گذاشت. این اقدام انقلابی کارگران تاکنون بیش از ۲ میلیون دلار به سرمایه‌داران غارتگر و دولت نظامی حامی آنان خسارت وارد نموده است. دولت دیکتاتور پینوشه هنوز هم از پذیرش خواسته‌های اعتصاب کنندگان منسی برای افزایش حقوق به میزان ۱۸٪ - برای بزمی‌زند، پلیس فاشیستی شیلی برای درهم شکستن مقاومت کارگران انقلابی و به دفاع از سرمایه‌داران غارتگر، هفته پیش به صفوف کارگران یورش برد. در این حمله وحشیانه بیش از ده کارگر دستگیر و تعدادی مجروح شدند. با وجود این سرکوب، دامنه اعتصاب و مقاومت کارگران همچنان گسترده نر می‌شود. در همین رابطه سندیکای معدنچیان از کلیه اعضای خویش برای یحیی و تصمیم‌گیری درباره مسئله افزایش دستمزدها دعوت به کرده‌اند. کرده است.

فالانژها در همه جا مخالف بازگشائی دانشگاه‌ها هستند

فالانژیستهای لیبانی در تاریخ ۲/۱۸ با دست زدن به یکسری انفجارات در دانشگاه بیروت (کتابخانه دانشکده ادبیات - دفتر آموزش دانشکده علوم) و پاره‌ای از مدارس در منطقه غربی بیروت مخالفت خود را با بازگشائی این سنگرهای دانش و آزادی اعلام داشتند. این اقدامات فاشیستی بی‌شائبه به خیانت‌های نیست که حاکمیت ارتجاعی برای به تعطیل کشاندن دانشگاه‌ها در میهن ما انجام داد. در لیبان نیز نیروهای فالانژیستی را ستدرایان مدافع سرمایه‌داری از گشائی دانشگاه‌ها وحشت دارند زیرا که این مراکز آنجا که عمدتاً "دربگیرنده آگاه‌ترین اقشار اجتماعی است بی‌شک

بمعنوان سنگری علیه موجودیت آنها عمل خواهد کرد. و درست به همین دلیل است که هرگاه نیروهای انقلابی خواستار بازگشائی این مراکز بودند فالانژها با شکل مختلف از این کارمانعت بعمل آورده‌اند. و اکنون که ترفیخواهان لیبان به رغم همه تهدیدات و مشکلات مصمم به بازگشائی دانشگاه بیروت و سایر مراکز آموزشی واقع در منطقه تحت نفوذ خویش هستند.

فالانژها تنها آنها را به ایمن جانیتهاد دست می‌زنند بلکه حتی از پیش مسئولیت جانیتهای بعدی را نیز (در صورت بازگشائی مراکز آموزشی) قبلاً بعهده میگیرند. و این شاید یکی از نشانه‌های آنها با عوام مل مزدور سرمایه در میهن ما باشد زیرا اینان در میان دانشجویان و مردمی که خواستار بازگشائی دانشگاه هستند نارنجک منفجر می‌کنند و مسئولیت آنرا هم بعهده خود نیروهای مفرقی می‌اندازند.

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای

رهائی بخش سراسر جهان



ایرلند شمالی: پلیس سرکوبگر انگلیس آماج گلوله های مبارزین ایرلندی

تا کید نمودند. و این همبستگی بین‌المللی نیروی بیشتری به خلق و نیروهای مبارز ایرلندی بخشید و آنان را در تمام مبارزه تا پیروزی مصمم تر ساخت.

اینهمه سرعت در گسترش امواج مبارزه خلق ایرلند از یکسواططسره انرژی عظیمی را در ذهن ما زنده می‌کند که توسط انبوه میلیونی زخمی‌کنان میهنمان بهنگام جنبش و طول قیام خونین سال ۵۷ به نمایش گذارده شد و طومار سلطنت شاه را در هم پیچید.

از سوی دیگر سرنوشت کنونی آن جنبش سراسری، بدلیل فقدان رهبری انقلابی پرولتاریا و دنباله روی طبقه کارگر از بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی در سهای موزنده‌ای برای جنبش رها نشی بخش ایرلند در بردار و سوی دیگر این سؤالات اکنون در ارتباط با جنبش رها نشی بخش ایرلند مطرح می‌شود.

- این جنبش به کجا خواهد انجامید.
- آیا انقلابیون بویژه کمونیستهای ایرلندی برای گاتالیزه کردن اینهمه انرژی توده‌ای چندانی بکار خواهند بست.
- ارتش آزادی بخش ایرلند که بنسک در راه این مبارزه قرار دارد. تا کجا و چگونه این مبارزه را پیش خواهد برد.

پاسخ به این سؤالات و بدست دادن شناخت دقیق از ماهیت طبقه‌ای رهبری جنبش رها نشی بخش ایرلند و ماهیت سازمان با سازمانهای رهبری کننده آن از جمله ارتش آزادی بخش ایرلند مستلزم تحلیل جامعی است که ما می‌کوشیم به سهم خود در مقالات بعدی به آن بپردازیم با اینکه هم اکنون با بدین واقعیت را اعلام کنیم که جنبش رها نشی بخش ایرلند فاقد رهبری رزمنده پرولتاریا است. هنوز پیروزی حقیقی و قطعی در چشم انداز نیست. انقلابیون کمونیست ایرلندی باید برای شرکت فعالانه و موثر تعیین کننده در این جنبش به تجربه جنبش انقلابی ایران، و دیگر جنبشهای مشابه در سطح جهان، نهایتاً مسئولیت بزرگ خود کنند و از آن بیا موزند. با آگاهی به این امر که امپریالیسم انگلیس تنها در دربار سلطنتی بریتانیا لانه نگرده است امپریالیسم جهانی و طبقه بورژوازی ایرلند را فراموش نکنند. مبادا آنها از ضرب خارج شوند. ●

«هیوز» جانشین بایی ساندز در گذشت

خبرگزاریهای امپریالیستی مجبوره اعتراف به این امر شدند که ۷۲ درصد از مردم انگلیس تا چورا مقصد انستسه و محکوم می‌نمایند و این اعتراف بی‌شک نشان شدیدی تضادهای درونی خود امپریالیستها در این رابطه است.

در هفته‌های اخیر زخمی‌کنان و آزادیخواهان در چهار سوی جهان فریاد اعتراض علیه امپریالیسم و خروش همبستگی خویش را با خلق ایرلند سر دادند و این امر همچنان ادامه دارد.

در اسلو، هنگام سفر ملکه انگلیس به تروژ تظا هر کنندگان خشمگین نفرت خویش را با پرتاب سنگ بسوی و نشان دادند. ایتالیاییکیا رچه اعتراض بود و بریکاردهای رخ اطاق با زرگانی انگلیس را به نشان همبستگی بسا مبارزات خلق ایرلند منفجر کردند. در رم تظا هر کنندگان با پلیس حامی سرمایه‌داری که مسلح به چاق و کتاز اشک آور بود درگیر شدند. در پرتغال میمی در نزدیکی کلوب سلطنتی بیوتانیا در لیسیون منفجر شد.

در آمریکا علاوه بر تظا هرات اعتراضی در شهرهای مختلف، کارکنان بارانداهای این کشور به مدت ۲۴ ساعت تخلیه و بارگیری کشتی‌های انگلیسی را تحریم کردند. در خاور میانه و دیگر کشورهای جهان نیز کارگران، زخمی‌کنان، احزاب سازمانها و محافل سوسیالیستی انقلابی و ضد امپریالیست هر یک به نوعی همبستگی خود را با خلق قهرمان ایرلند

فرانسیس هیوز مبارز ایرلندی نیز با مرگ قهرمانان نه‌اش بدنبال ۵۹۱ روز اعتصاب غذای سیاسی در زندان انگلیس، وفاداری خود را به آرمان رها نشی بخش خلق ایرلند نشان داد.

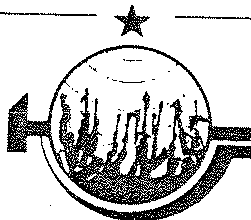
«هیوز» یکی از ۴۴ رزمنده اسیری است که بدنبال شهادت بایی ساندز اعلام کردند که تا برآوردن خواسته‌های که بایی بخاطر آن جان داد یکی بعد از دیگری جای او را خواهند گرفت و به اعتصاب غذای خود ادامه خواهند داد.

اعتصاب غذای مبارزین اسیر ایرلندی بعنوان یک سلاح سیاسی فعال در خدمت گسترش هر چه بیشتر مبارزات خلق این سرزمین در آمده و به نوبه خود امپریالیستیهای انگلیسی را با دشواریهای شکننده‌ای مواجه ساخته است.

این حرکت حربه نیرومندی است که دیوارهای آهنین زندانهای امپریالیسم انگلیس را شکافته و نقاب دروغین دمکراسی را از چهره کریسه امپریالیستیها کنار زده و ماهیت ددمشاه آنها را عریان تر نمود. این اقدام هنگامی که با چنان امواج طوفانده‌ای از جنبش سراسری توده‌های زخمی‌کنان ایرلند آمیخت همچون پتکی گران بسر پیکر فتوت امپریالیسم انگلیس ضربات کاری وارد ساخت. برای نمونه

جنبش جهانی

سراسری رها نشی



مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

برآوارگان چه می گذرد؟

امیدیه... بقیه از صفحه ۹

خانوارهای جدیدی می آیند، مامولان طبق همان سیاست فشار دولت، به آنها جا و غذای نمی دهند، بنا بر این تازگی واردها یا با زهم می روند، ویا کبیر محفوری در همینجا برای خود درست می کنند. بیش از ۷ هزار آواره ساکن در این بلوکی ها، نیز همچون سایر مناطق آواره نشین، از بسایت کمبود آرزاق، لباس، پتو، جا، بی پولی و بیکاری و عدم بهداشت رنج می کنند. آنها از استمرار جنگ و درگیری فریادشان بلند است و مدام اعتراض می کنند. یکی از آوارگان ضمن برشمردن مشکلات فراوان جنگزدگان می گفت: "گریزودی به وضع ما رسیدگی نکنند، به عنوان اعتراض راه پیمانی می کنیم." مردیک خانواده عیال بسیار آواره نیز می گفت: "من در خرمشهر بنا بودم، بعد از جنگ آمدیم اهواز، آنجا دریک گاراژ بودیم، خمپاره آمد بلند شدیم و آمدیم اینجا، ما اینفریم، بارها رفتم برای یک چادر که سقف درست کنم به من ندادند، لباس کردم، ماندند، یکی دیگر از آوارگان اردوگاه امیدیه که از اوایل قیام بیکار است ضمن بیان دردها و مشکلات خود می گوید: "این جنگ باید تمام شود، تا کی ما با یاد اینطور باشیم، نه جا داریم، نه زندگی، پشته روزی ۲ ساعت خواب ندارم، دیشما به فکر جنگ و بیکاری و بی پولی هستم." پیرمرد نا بیانشی در ادامه حرفهای این مرد می گوید: "این ۷ ماه جنگ ۷ سال بود. جنگ تمام می شود یا نه؟ زنی با بچه ای در بغلش که نمکین و ماتم زده در چارچوب درخانه نشسته بود می گفت: "شوهرم بیکار است، بپریم بیکار است، لباس مردم چرا خیلی کم به ما می رسد؟... الهی صلح بشود." زن دیگری که خسته و عصبی در صف دریا فتار زاق ایستاده بود می گفت: "ما گرمی دانستیم به این وضعیت می افتیم، همانجا توی شهر خودمان زیر موک و توپ می مانیم و زندگی پر رنج و ملال آوارگی به خویشی دریا فتنه اند که این جنگ تا عادلانه و ارتجاعی جز سیه روزی و خانه خرابی و فلاکت چیز دیگری نداشته و ندارد. بنا بر این پس از ماهها درگیری و بدبختی کشیدن، خاتمی جنگ و برقراری صلح را می خواهند. چند مرد متفقاً در این باره می گفتند: "به نظرم ما باید جنگ تمام شود و صلح کنند تا مردم بیرون بر خانه و زندگی شان، جان همه به لب رسیده است ما قدر می توانیم صبر و استقامت داشته باشیم!"

رامهرمز... بقیه از صفحه ۹

۲۰۰ گرم گوشت و سهمیه قند و شکر. البته همین جیره، تا جیز هم به موقع و درست توزیع نمی شود، عده ای می گیرند، به عده ای نمی رسد ویا دیر می رسد. همچنین در اینجا به کسانی که از کار افتاده اند، ماهیانه ۵۰ تومان مستمری می دهند، با توجه به موازید فوق، و فرارسیدن فصل گرما و هجوم مشکلات دیگر، ناراضی و اعتراض در میان آوارگان فوق العاده زیاد است. آوارگان هنگام مراجعه برای گرفتن وسیله و آرزاق، سر مسئولان داد می کشند که: "شما هاین وضع را سرما در آورید، شما این جنگ را برای ما آوردید، شما مش کنید تا برویم سر خانه و زندگیمان و از این بدبختی خلاص بشویم." در استادیوم رامهرمز چندین خانوار در چادرهای درب و داغان و کوچک زندگی می کنند. در اولین نگاه، اوضاع وخیم بهداشتی و رفاهی دیده می شود. هر حرف و کلام ساکنان آواره اینجا مصیبت و رنج و بیان کمبودها و مشکلات است. قبیل از همه بچه های رنجور با سر و روی کثیف می گویند: "ما پول دفتر و قلم می خواهیم." سعد، پدر و مادرهای زحمتکش و مستمیده آنها درباره اوضاع خودشان حرف می زنند: "همه چیز ما را از دست دادیم، این زندگی ماست، بیک چادر و درودرد، توی این زمین خاک و هوای گرم، نمش جای اسباب و وسایل است، تونصف دیگرش هم خودم و زن و بچه ام می خواهیم. اگر حرف حق بزن می گویند صدا تغلایی، چکار کنیم، این وضع زندگی ماست، یک با دیا در چادرها را روی سرما خراب می کند، بهداشت و دکنتر که حرفش را تزن بیک کیسه گونی را کردیم مستراح، ماندیم تو این ۷ ماه کسی واقعا بیاید و از روی دلشوری از ما بپرسد که دردمان چیست، چیه مشکلاتی داریم، چرا، چند وقت پیش راجای نخست وزیر آمد، اما همان سر راهش با هلی کوپتر میان کولی ها نشست، و تا مردم پیش رفتند و خواستند بدبختی هاشان را بگویند، جناب نخست وزیر رسید و حتی از هلی کوپتر پیاده نشد و رفت. اگر راست می گویند، نیم ساعت ندهد دقیقه توی همین جا در بنشینند، ببینیم طاقت می آورند؟" اینجا فقط بلند انداز دیوشان مرتب بگویند فلان کار را برای جنگزدگان کردیم و فلان قدر بهشان کمک دادیم، ولی کو؟ کجا است؟ چرا ما جنزده ها این کمک ها را نمی بینیم. حتی همین چادرها را خودمان خریده ایم!!

می گوئیم شما نمی توانید، بگذارید خودمان کارها بمان را روبراه کنیم، ریش و قیچی را بدید دست خودمان اختیار بدهید، ما خوب نمی دهیم."

"شکایت کردیم برای مستراح، پول جمع کردیم، دادیم دست اینها، اما هنوز هیچکس نگرفته اند." می مرتب به ما می گویند، بروید اردوگاه، توشهر کاری برای ما نمی کنید، چه رسد به اردوگاه که توی باغ دروغ دروغ دهند. در جوار استادیوم، پیشا هنگی و یک دبیرستان قرار دارد که در اشغال آوارگان است. لازم به یاد آوری است که محصلین در زیر چادر کلاس تشکیل می دهند. در این قسمت وضع بر همان منوال استادیوم است، همه پراز فریاد و اعتراض هستند. در گوشه ای از محوطه ای پیشا هنگی، زنی با دو فرزندش روی تکه ای مقواشسته اند گوئی که همین الان از زیر آوارسیرون کشده شده اند. بچه ها روی زمین خوابیده اند و مگس صورت آنها را پوشانده است. زن می گوید: "ما خرمشهری بودیم و تا سه روز پیش توارا از زندگی می کردیم اما آنجا را با توپ زدند، و محبوری آمدیم اینجا، الان سه روز که در زندگی می کنیم، ولی چادرها به ما نمی دهند. می گویند برو اردوگاه، کی تو این گرمی مسی رود اردوگاه، تازه شوهرم با بدشوهر باشد، که صبحا بیرودم فلکه شایبند کاری گیریا ورد و بچه ها مسیر بشوند. اینها که چیزی نمی دهند. رفتم پیش امام جمعه دیدم، بهترین لباس تنش، بهترین چادر را دارد، بهترین غذا دارد جلوش گذاشته و توی سایه خنک دارد تنها می خورد. می گویم، فکری به حال ما بکن، خیلی راحت و از روی شکم سیری می گوید، برو اردوگاه! همین."

از مناطق آواره نشین داخل شهر که بگذریم، به ترتیب، اردوگاههای "فجر"، "آزادی" و "سلیمان" در مسیر را مهرزیه امیدیه، قرار دارند. این اردوگاهها ظاهراً "منظم" و با برنامهد هستند. به جز شهرک سلیمان که عمدتاً از کانتینر (اطاقهای فلزی) تشکیل شده در بقیه ای اردوگاهها، آوارگان در چادر اسکان داده شده اند. همچنان که در آغا زگزارش گفته شد، آوارگان این اردوگاههای به ظاهر منظم هم، تا حدود زیادی همچون سایر آوارگان از بسایت کمبودهای شدید رزاق و بی آبی و گرما و مار و عقرب می نالند. بویژه از بی پولی و بیکاری به شدت رنج می برند. یکی از آوارگان ساکن شهرک آزادی می گفت: "اینجا از نظر بهداشتی بدنیت و چیزهایی که می دهند خیلی کم است و ما بیکاریم و پول نداریم که مثلاً یک سیرسبزی خوردن بخریم. آنچه که در بالآمد، تنها گوشه ای از "برکات جنگ است." برکت ها کسی از قبیل درگیری، فقر و فاقه و خانه خرابی و بیکاری و محرومیت کشیدن، برای زحمتکشان، و سودورفا بیشتر برای سرمایه داران و تجار محترم!

بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان تأمین باید گردد



پاسخ به سئوالات

بحران اقتصادی و انقلاب

سوالی از جانب هواداران طرح شده است که آیا تخفیف بحران اقتصادی بطورکلی بمعنای شکست انقلاب است؟ از آنجا که این پرسش به یکی از اصلی ترین بحث های کنونی جنبش کمونیستی نیز مربوط میشود خود را ملزم میدانیم که درباره آن اندکی صحبت کنیم.

سرنوشت هواداران انقلابی از سه جنبه زیر خارج نیست: پیروزی، شکست یا ادامه آن. در این مختصر به مسئله پیروزی انقلاب نمی پردازیم چرا که خود نیازی به بحث مفصل و جداگانه ای دارد. به علاوه خارج از حوزه سؤال رفقای هوادارانست و بالاخره و مهمترین اینکه عدم پیروزی انقلاب ایران برای عناصروجریان های سیاسی انقلابی پوشیده نیست.

برای آنکه یک انقلاب شکست نخورده، بمعنای بهتر در حال تدوین و ارزیابی شود، سه نشانه اصلی زیرمبایست وجود داشته باشد.

۱- بحران اقتصادی حاکم بر جامعه هیچ نشانه ای از تخفیف و حل از خود بروز ندهد. روند بحران همچنان ادامه یابد و فشار اقتصادی بر زندگی کارگران و زحمتکشان فزونی گیرد.
۲- حاکمیت سیاسی نتواند دستگاههای دولتی خود را بطرز استوار برپا دارد. تضادهای درونی اش با زتاب گسترده پیدا کرده و امکان غلبه بر این تضادها را از او سلب میشود. بطورکلی ضدانقلاب نتواند پایه های حکومتی خود را متمرکز و تثبیت نماید.

۳- مبارزات توده ها برای احقاق حقوق

خودتداوم باید. مبارزات کارگران و زحمتکشان ارتقاء پیدا کند و توده ها به عرصه مبارزه طبقاتی گشاده شوند. در این مبارزه هر روز اشکال نویر و عالیتری از عمل انقلابی را به نمایش گذارد. هر گاه در جامعه ای این سه نشانه بطور همزمان پدید آید، آن جامعه به یک دوران انقلابی کام مینهد.

از این سه نشانه بحران اقتصادی بمنزله بستری است که بر روی آن دفاکتور دیگر جریان می یابند. تا زمانی که بحران اقتصادی بصورت خود وجود دارد، زمینه عینی برای بروز نشانه های دوم و سوم فراهم است، اما این آمادگی عینسی الزاماً این دوران بوجود نمی آید. جوامع سرمایه داری چه بسیار بحران های اقتصادی را در بدون تکانهای نیرومند و عظیم سیاسی از سر گذرانده اند. از طرف دیگر تخفیف این بحران نیز به تنهایی نمیتواند نشانه پایان گرفتن دوران انقلابی یا آنچه که مورد سؤال است یعنی شکست انقلاب باشد. بلکه اگر تخفیف بحران با تغییرات سبب طبقاتی قوای اجتماعی یعنی مجموعه دوشانه دیگر، بسود ضدانقلاب همراه باشد آنگاه میتوان از شکست انقلاب صحبت کرد.

کشمکش بین انقلاب و ضدانقلاب بر حسب وجود توازن معینی در تقابل نیروهای طبقاتی اجتماعی، امکان دارد که مدتها یا بداریما تدویر این فاصله حتی بحران اقتصادی نیز گاه تخفیف نسبی یابد. بر اساس آنچه که گفته شد اگر به وضعیت اقتصادی - سیاسی که جامعه ایران هم اکنون از سر میگذرانند، نگاهی دقیق بیا فکنیم بطرز جنتابنا پذیری با این نتیجه میرسیم که انقلاب ایران پس از سرنگونی رژیم پهلوی نیز همچنان تداوم دارد. پیروزی این انقلاب اساساً در گرو آنست که پرولتاریای ایران نتواند رهبری خود را برجستنی تا مین کند و در صورتیکه این امر تحقق نیابد، پس از یک پروسه گشاکش بین انقلاب و ضدانقلاب دست آخرا انقلاب به شکست کشیده میشود. این گشاکش خود ویژه کی شرایط کنونی جامعه ما را تشکیل میدهد.

اول ماه مه روز کیست؟

در خبیرها آمده بود که عالینجات یاب، به فکر کارگران افتاده و امسال روز اول ماه مه را به عنوان روز "سن زوزف کارگر" - گرامی میدارد. (سن زوزف نام پدربخشی مسیح است که در فارسی وی را یوسف تعاز می نامند.) جناب یاب چنان غرق "دز منون" آسمانی هستند که فرق بیشتره وز عهدبردگی را با کارکردوران سرمایه داری نمیدانند. توقعی نیا پیداشت!

در سالهای گذشته رژیم شاهنشاهی به قصد لوث کردن نام روز کارگر، روز - تولد دیکتاتور ضد کارگر، رضا خان را به جای روز کارگر، روز "تعطیل" کارگرتری اعلام میکردند. هر چند که کارگران آنگاه به نشانه ای از همبستگی با پرولتاریای جهانی به هر شکلی که بود، مراسم اول - ماه مه را برگزار میکردند. امسال هم آندسال گذشته در ایران محافل حکومتی روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را با ۱۲ اردیبهشت، روز نوروز استاد مرتضی مطهری، "مصادف" کردند و بیه جای هر چیز در مقابل آن استاد داد سخن دادند. ضمناً "برابری شیوه" رایج دوشه ساله اخیر به خیال خود برای جلوگیری از آگاهی طبقه کارگر اعلام کردند که از جن وانس گرفته تا ذرات خاک و حتی خود خدا، همگی کارگرند و توضیحات مضمحل دادند که همه، انبیا کارگر و کارگردوست بودند. این شگرد که مقوله تاریخی - "کارگر را با مقوله کار" که از بدو پیدایش انسان مطرح بوده، مخلوط کنند، البته چیز تازه ای نیست. نوآوری در این است که مقوله، انسانی کار و کارگر را با مقوله فلسفی حرکت، یکجا کنند تا با هم بسند گمان خود، کارگران را از آگاهی بیشتر و طبقه تاریخی خود با زارند. لیکن آندک بودن تعداد کارگران در مراسم حکومتی اول ماه مه امسال نشان داد که این شگردها چقدر بی اثر است.

دروازت کار، و در واقع برای فریب کارگران، یک مجمع عمومی در هفته اول اردیبهشت تشکیل داد. در این مجمع کارگران میخواستند بداند که "کمیته قصد وزارت کار را ایجاد شورای واقعی است پس چرا نمایندگان انتخابی کارگران را نمی پذیرد؟" اما افراد دهیئت نظارت چون پاسخی برای سئوالات کارگران که همه در جهت نفی اسانامه و طمع سرخ انتخابات وزارت کار ریوهندا شدند به پرت و پلا گفتن پرداختند. آنها سعی می کردند بیشتر خودشان صحبت کنند و اجازه افشاکری به کارگران ندهند. کارگران هم یکی پس از دیگری طبع را ترک کردند و بدین ترتیب مجمع جمع ختمه یافت و هیات نظارت که در بر آوردن اهداف خود بنا کام مانده بود دست از بار و از ترس وزارت کار بازگشت.

به آن اعتراض کردند. کارکنان دفتر حضور و غیاب را پایه کرده و ضمن تجمع در محل، از نمایندگان شورا میخواهند که سه اعتراضشان را بگوش مسئولین برسانند. نمایندگان حاضر به اینکار نمیشوند و اداره حراست (حفاظت سابق) تید - سراز فرصت استفاده کرده و خواهان معرفی محرکین است. می شود. این عمل با عتاف - گیری اعتراضی کارگران میشود و از آنجا که پی میبرند شورا توان پیشبرد اهدافشان را ندارد، با تهیه اطلاعیه ای به امضای ۴۸ تن از کارکنان خواسته اند که روز چهارشنبه ۶/۲/۹۰ برای انتخاب نماینده جمع شوند.

هیئت نظارت بر انتخابات شورای پارس الکتریک (کرج) ظاهراً برای نظرخواهی در مورد اسانامه تمویب شده

اخباری از شوراهای ...

بقیه از صفحه ۶
انجمن راهو میگردند بپایان رسید. در این جلسه نمایندگان قسمتی برای بحث روی این آئین نامه خواستار تشکیل مجمع عمومی شدند ولی اعضای شورای فرمایشی وانجمن اسلامی بسا تشکیل آن مخالفت نمودند!

روز یکشنبه ۶/۲/۶۰ کارکنان امسور نقلیه برق مرکزی مطلع شدند که به سر خلاف گذشته که فقط صحبها دفتر حضور و غیاب را امضاء میکنند، باید هنگام خروج نیز دفتر را امضاء کنند. کارگران و تکنسین ها که این عمل را در جهت محدود تر شدن از جانب کارفرما می دانند،

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

یادآوری

چون رسال پولها یمون
گد، مورمانی ما زمانه
با مشکل مواجه شاخته
است لذا از همه رفقا و
هواداران میخواهیم که
کمکهای مالی خود را در
ما با یک عدد سه رقمی و
حرف مشخص نمایند و از
ارسال لیول بدون کد خودداری
رنمایند. (اموالی سازمان)

الف	ک	ع	ت
۱۰۰۴۴۲	۷۸۲	۵۲۶۴	۳۰۰۲
۱۰۰۵	۲۲۲۲	۱۲۷۶	۱۲۶۰
۲۲۵۹	۶۰۰۲	ف	۲۲۲۲
۵۱۱	م	۱۴۵۲	۵۵۲۲
۲۰۹۹۹	۵۲۹	۲۱۹۸	روزبه ۲۳۰۰
۲۲۳۵	۱۰۸۱	۲۶۶۴	آستارا ۵۰۰۰
ب	۲۹۱۹	۵۵۰	۵۹۵۲
۲۵۵۵	۵۷۲۲	۱۱۰۱	۱۹۲۵
پ	۲۰۷۰	ق	۱۰۱۰۱
۶۲۱	۱۱۳۶	۵۲۲۱	رفقای سرباز
۴۴۰۰	۱۱۳۶	۶۱۱	ما سربازان هوادار
ت	ه	۵۲۲۲	سازمان دریاچه
۳۰۰۲	امانت شما رسید	معمود ۹۰ کوپن	این کمک تا چیز
ج	۳۰۰۰	م-۵۰۰ دارو	خود را برای پیشبرد
۲۲۲۲	پیشگام جنگزدگان	آربین ۱۹	اهداف آن یاری
۵۵۲۲	رضایی شیراز	سندج ۴۰۰۰	میدهم
خ	رفقای بیروزگار	سقز ۴۰۰۰	ز
۵۹۵۲	رحیم ۵۰۰	نارمک ۲۰۰۰۰	۲۰۳۱
۱۹۲۵	رفقای استانبول	روزبه ۲۳۰۰	س
۱۰۱۰۱	۴۵۰ پوللهستان	آستارا ۵۰۰۰	۵۰۶۵۲
رفقای لنینکلن	۴۰۰۰ لیر ترکیه	۳۰۰۰ دلار	ع
۱۶۱۱	۳۰۰۰ ریال	رفقای اراک	ش
۲۱۱۱	۲۲۲	سازمان دریاچه	۲۲۵۰
۲۰۸۸۸	۲۲۲	این کمک تا چیز	ق
۱۳۳۳	۱۰۰۹	خود را برای پیشبرد	پ
اهداف آن یاری	۱۰۰۸	میدهم	ی
میدهم	۶۱۱	ز	۲۲۵۰
ز	۱۴۱	ع	۲۳۰۵
۲۰۳۱	رفقای پیشگام	ع	ع
ق	خرم آباد	ع	ع
پ	۲۲۲	ع	ع
ی	۲۲۲	ع	ع
۵۰۶۵۲	۱۰۰۸	ع	ع
ع	۶۱۱	ع	ع
ش	۱۴۱	ع	ع
۲۲۵۰	رفقای بیروزگار	ع	ع
۲۳۰۵	خرم آباد	ع	ع
ع	۲۲۲	ع	ع
ص	۲۲۲	ع	ع
۱۰۹۰۷	۲۲۲	ع	ع

رفقای دهکده دار ۲۰۰۰ ریال	پیشگام متحدین
رفقای زندان ناوین ۱۰۰۰۰ ریال	نهاوند ۱۵۰۰
پیشگام تجریش ۱۷۰۰۰ ریال	رفقای خرم آباد ۲۲۲ ریال
رفقای خانه دار ۱۰۰۰۰ ریال	ت ۱۲۵
میتنا ۴۵۰۰ ریال	ن ۲۵۴
کاوه ۶۰۰۲ ریال	م ۲۵۵۵
اصفهان ست ۳۰۰۰ ریال	ع ۵۰۵
دانش آموز - ۳۰۰۰ ریال	ط ۵۱۲
دانش آموز - ۱۵۰۰۰ ریال	ع ۱۸۸۸
رفقای دیروز صحنه ۱۵۰۰ ریال	ت ۲۰۰۲
صفای فراهانی ۵۰۰ ریال	ص ۱۱۱۱
پیشگام جنگزدگان رضایی شیراز ۳۰۰۰ ریال	ج ۲۰۸۴
رحیم ۵۰۰ ریال	ک ۲۴۴۴
رفقای استانبول ۴۰۰ ریال	ص ۵۲۰
۴۵۰ پوللهستان ۴۰۰۰ لیر ترکیه ۳۰۰۰ ریال	م ۲۶۰
رفقای لنینکلن ۳۰-۱۲۴۹ دلار	ع ۱۰۱۵
رفقای اراک ۴۹۹ ریال	ز ۲۹۱۷
سازمان دریاچه این کمک تا چیز خود را برای پیشبرد اهداف آن یاری میدهم	الف ۲۸۰۸
ز ۲۰۳۱	الف ۱۰۲۲
ق ۱۵۰۰	ش ۲۰۳۶
پ ۱۰۰۰	م ۳۸۸۸
ی ۲۵۰۰	ق ۴۲۲۲
ع ۵۰۰۰	ز ۵۰۶
ش ۹۰۰۰	م ۱۲۲۱
ع ۲۲۵۰	خ ۲۱۱۱
ع ۵۰۰۰	ب ۱۲۱۷
ع ۹۰۰۰	ب ۱۵۳۰
ع ۲۲۵۰	ب یک م ۷۰۶
ع ۵۰۰۰	پیره سفیدکوه ۱۰۰۰۰ ریال
ع ۲۲۵۰	رفقای بیروزگار ۱۱۱۱ ریال
ع ۵۰۰۰	ب ۲۱۱۲
ع ۲۲۵۰	ب ۵۱۱۵
ع ۵۰۰۰	ع ۴۲۲۲
ع ۲۲۵۰	ع ۵۲۸۹
ع ۲۲۵۰	ع ۴۶۱۱
ع ۲۲۵۰	ع ۴۶۰۰
ع ۲۲۵۰	م ۴۵۰۴۴
ع ۲۲۵۰	م ۱۱۸۶۴
ع ۲۲۵۰	م ۶۲۱۶
ع ۲۲۵۰	ج ۶۰۱۱
ع ۲۲۵۰	م ۷۵۹
ع ۲۲۵۰	الف ۱۱۱۱
ع ۲۲۵۰	ع ۱۲۱۱
ع ۲۲۵۰	ب ۲۰۱۳
ع ۲۲۵۰	ه ۳۳۲۲
ع ۲۲۵۰	د ۵۰۰۰
ع ۲۲۵۰	ک ۳۰۰۰
ع ۲۲۵۰	س ۳۰۱۱
ع ۲۲۵۰	ف ۵۱۰۱
ع ۲۲۵۰	م ۲۲۲
ع ۲۲۵۰	م ۲۲۰
ع ۲۲۵۰	م ۲۲۱۴
ع ۲۲۵۰	ع ۱۸۸۸
ع ۲۲۵۰	رفقای دیروز ۵۵۵ ریال
ع ۲۲۵۰	م ۸۸۱۱
ع ۲۲۵۰	م ۱۱۱۱

۶۷۷۷	ن	رفقای شهرگرد
۱۰۶۰	د	ق ۱۰۰۱ ریال
۵۵۵۵	و	ن ۱۰۰۱
۳۴۵۵۵	ر	ز ۱۰۰۱
۲۲۰	ش	ب ۲۰۰۱
۱۴۴۴	ک	ف ۲۲۲۲
۶۱۳	ش	پ ۲۵۳۰
۲۰۰۲	ف	۱۰۲۳
۳۲۴۰	ب	ع ۲۵۲۶
۲۱۰۵	ب	ش ۳۱۱۱
۴۵۳	ب	ش ۱۱۴۶
۸۰۷	ب	ب ۱۱۱۳
۲۰۰۲	ب	ب ۲۴۴۵
۲۵۲۶	ب	ب ۹۴۵
۳۱۱۱	ب	م ۱۱۴۷
۱۱۴۶	ب	م ۱۰۰۰
۱۱۱۳	ب	ن ۱۰۰۱
۲۴۴۵	ب	ن ۲۱۰۴
۹۴۵	ب	م ۱۰۱۱۱
۱۱۴۷	ب	م ۲۰۰۲
۱۰۰۰	ب	م ۱۶۱۵
۱۰۰۱	ب	م ۱۳۳۲
۲۱۰۴	ب	ن ۱۳۲۸
۱۰۱۱۱	ب	ع ۲۹۹۹
۲۰۰۲	ب	م ۶۲۳
۱۶۱۵	ب	م ۶۲۹
۱۳۳۲	ب	ن ۱۶۱۱
۱۳۲۸	ب	ن ۱۴۹۹
۲۹۹۹	ب	ت
۶۲۳	ب	دبیرستان رودابه
۶۲۹	ب	رفیق مادر ۵۰۰
۱۶۱۱	ب	دبیرستان مدیقه
۱۴۹۹	ب	رضایی ۹۱۰۲ ریال بدون کد
دبیرستان رودابه	ب	۲۰۰۰
رفیق مادر ۵۰۰	ب	۱۵۰
دبیرستان مدیقه	ب	۱۵۰
رضایی ۹۱۰۲ ریال بدون کد	ب	۱۰۰
۲۰۰۰	ب	۵۰۰
۱۵۰	ب	۵۰۰
۱۵۰	ب	۸۰۰۰
۱۰۰	ب	۵۰۰۰
۵۰۰	ب	۴۰۰۰
۵۰۰	ب	۵۰۰

شبهات تصادفی!

تلویزیون اسلامی ضمن اخبار شب، پنجشنبه ۶/۲/۱۷ اعلام کرد که "فالانتهای لبنان با بازرگانی دانشکاهای این کشور مخالفند، زیرا بیشترین مخالفان آنها از دانشجویان دانشکاهها و مدارس عالی هستند. اکنون بیش از یکسال از بستن دانشکاهها توسط فالانتهای ایرانی میگذرد، شبهات بین مضمون خبر بالا و وقایع جاری در ایران نیز آشکار میشود."

حزب الله کیست؟

در برنامۀ تلویزیونی سه شنبه ۱۳۶۰/۲/۱۵ بخش ارتباط مستقیم، آقای رجائی سوال شد حزب الله چه کسانی هستند؟
او گفت: حزب الله یعنی آنها که اولین جرقه های انقلاب را در قم و تبریز و مشهد و کرمان و غیره بوجود آوردند و به دعوت اسلام لنینک گفتند، آنها که در ۱۷ شهریور و ۱۳ آبان و غیره در مقابل گلولهها و تانک های رژیم شاه سینه سپر کردند و بالاخره آنان که انقلاب را بشمرسا نندتد و اینک مدافعین راستین انقلاب اند. تلاش رجائی برای پرده پوشی از واقعیات و اینکه اوبی خواست چنین وانمود کنند این دستجات سازماندهی مشخصی ندارند و اجیر شده حزب و کمیته ها نیستند تلاش می بودند بخواهند که حتی خود این عناصر را که عمدتاً "درازی دریا فت پول و تحت رهبری کمیته ها عمل می کنند به خنده وامی دارد."
رجائی به میلیونها هموطن کارگر و زحمتکش ما که با مبارزات درخشان خود رژیم پهلوی را سرنگون کردند و اکنون با زهم تحت شدیدترین فشارها و تنقیحات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی از جانب رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند و کوچکترین اعتراض آنها در کارخانه و مزرعه با سرکوب همین چاقو داران و - قمه کش ها و قداره بندان تحت حمایت پاسداران بخاک و خون کشیده می شود نسبت حزب اللهی می دهد که البته از این سخنان باید همان جمله مشهور را دریا فت که نکنند کارگران و زحمتکشان که بزعم آقای رجائی حزب اللهی هستند خودشان خودشان را سرکوب می کنند و خودشان یکدیگر را می کشند و یا برسدان انداخته و شکنجه می کنند تا مظلوم نمائی کنند!

راستی بندهم و قاحت را چگونه میتوان توجیه کرد آیا چاقوهای یکمک شکل و چاقوهای هم فرم و توزیع عادلانه آنها در هر مراسم و میسینگ و تظاهراتی نشانه سازماندهی مشخص آنها نیست و چرا در دستگیری این مزدوران همواره کارت کمیته ظاهر می شود نکنند می خواهند کمیته های انقلابی را بدنام کنند؟!

سازشکاران بدانند کارگران بیدارند



درباره شعارهای اساسی جنبش...

بقیه از صفحه ۱

انقلابی بودا انقلاب جهان در جریان است. در این نبرد تاریخی و دورانی سازگاری در یکی آن نیروهای بلند و مترقی تاریخ و در سوی دیگر آن کلیه نیروهای ضد انقلاب و مترقی قرار دارند. وحدت و همبستگی نیروهای انقلاب در پهنه گیتی در مبارزه علیه خصم مشترکشان امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، ضرورتی حیاتی و تاریخی است.

در این نبرد سرگشته را برای رهایی کل بشریت از قید هرگونه استعمار و استبداد هموار بسازد، پیوند فشرده و همبستگی بین المللی بین اردوگاه سوسیالیسم، جنبش طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و جنبش رها بی بخش خلفهای تحت استعمار امپریالیسم، ضرورتی است که از دبا لگنتی وضعیت تاریخی کنونی جهان برمیخیزد. رفیق هوشی مین کمونیست کیبیر ویتنامی در باره صف آرائی نیروهای انقلاب، ضد انقلاب جهانی میگوید: "قدرت اردوگاه سوسیالیستی، مبارزه طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری و جنبش انقلابی ملی این سه نیروی انقلابی بزرگ با قدرت بهم پیوسته، بی مان بر استحکامات امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم ایالات متحده همواره یورش میبرد و مردانه ضربه میزند.

... بر روی هم، انقلاب جهانی در موضع تعرضی قرار دارد، و قدرتمندتر میگردد و پیروزیهای افزونتری حاصل میکند. بر عکس امپریالیسم و دیگر نیروهای رتباعی در موضع تدافعی هستند، ضعیفتر میشوند و شکستهای محتمل میگردند و محکوم به زوالند.

(منتخب آثار هوشی مین بر زبان فارسی صفحه ۵- ۲۹۴، تا کید آزماست)

جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای تحت استعمار ایران که جزء تفکیک ناپذیر نیروهای انقلاب جهانی و روند انقلاب در جهان بشمار میروند، همسر روز گسترده تر میگردد و وظایف بسیار خطیری را پیش روی پیشگانمان جنبش انقلابی قرار میدهد. که از آن جمله است تدفین شعارهای اساسی جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران.

شعارهای اساسی انقلابی که بیان موجز و خلاصه اهداف و سمت سوی جنبش انقلابی در هر وضعیت تاریخی مشخص است باید آنچنان شعارهایی باشد که بتوانند پیوند صحیحی بین اهداف و منافع "ملی" جنبش انقلابی در درون هر کشور، با اهداف و منافع مشترک انقلاب در سراسر جهان برقرار نمایند.

شعارهای اساسی جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی ایران باید آنچنان شعارهایی باشد که بتوانند ضمن بیان اهداف این جنبش و تعمیق و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی در سطح "ملی"، اتحاد و همبستگی و هدف مشترک مبارزه - مشترک، اردوگاه سوسیالیستی، جنبش طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و جنبشهای رها بی بخش را در مبارزه برای رها بی، دمکراسی و سوسیالیسم و علیه خصم مشترک، امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را در خود منجلی سازد و

به همبستگی و ضرورت اتحاد نیروهای انقلاب در عرصه جهانی، تحقق بخشد. با چنین درکی است که ما یکی از شعارهای اساسی جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای تحت استعمار ایران را شعار "نا بودا امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پیا یکساده داخلی" می نامیم. و اعتقاد داریم تنها نیروهای مدافع طبقه کارگر، بلکه کلیه نیروهای دمکرات و انقلابی باید حول این شعار گردآیند و بر آن کیدورزند. هرگونه طفره رفتن از پذیرش و تبلیغ این شعار و تقلیل آن دقیقاً "کوششی است جهت با نخراف کشاندن جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران که با یقیناً طغانه به مبارزه با آن برخاست.

ما در گذشته در نشریه کارشماره ۶۱ به این مسئله اشاره کردیم و نشان دادیم که چگونه سوسیالیسم رفرمیست (حزب توده و اکثریتیهای راست) این مدافعین سوسیالیست دروغین آنترناسیونالیسم پرولتری، ضمن پذیرش شعار "مرک برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا" در حرحه دزدکردن و در عمل از مبارزه علیه سلطه اقتصاد، اجتماع و سیاسی امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا در ایران که به موثرترین شکل از کانال مبارزه با بورژوازی وابسته میباشد با یکساده داخلی امپریالیسم جهانی میسر است روی برمیتابند و دست اتحادیستوی متحدین امپریالیسم جهانی در ایران دراز میکنند.

آنها با تبلیغ سازش طبقه ای، کارگران و توده های زحمتکش را به تبعیت از سرمایه داران فرامیخوانند و با حمایت حاکمیتی که عملاً در جهت بازسازی نظام سرمایه داری وابسته کار میبرد، با تقلیل دادن مبارزه علیه سلطه اقتصاد، اجتماع و سیاسی امپریالیسم جهانی، مبارزه علیه بورژوازی وابسته به مبارزه علیه روستای جمهوری دولتها یا امپریالیسم و سفا رتخانها نه دولتها، با کند کردن لیس نیز مبارزه طبقه ای، مقابله با مبارزه - انقلابی کارگران، توده های زحمتکش و مبارزه حق طلبانه خلقهای تحت استعمار ایران و در تقابل قرار دادن این مبارزات با مبارزات ضد امپریالیستی، در جهت تضعیف جنبش ضد امپریالیستی، دمکراتیک خلقهای ایران و سازش کشاندن آن - تلاش میکنند و در یک کلام با روی برگرداندن از مبارزه علیه متحدین و پیا یکساده امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در ایران، بی اعتقادی خود را به این شعار در عمل به آشکارترین وجهی

عیان می نمایند. اینک میخواهیم به درک انحرافی دیگری از مبارزه ضد امپریالیستی پرداخته مرز بندی خود را با این درک انحرافی هر چه مشخص تر سازیم. این درک، درک سازمان پیکار و دیگر معتقدین به تضاد رکیستی "سوسیال امپریالیسم شوروی" از مبارزه ضد امپریالیستی، در شرایط تاریخی کنونی است. وجه مشخصه درک این نیروها از مبارزه ضد امپریالیستی در اینست که صف آرائی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب را در عرصه جهانی و از گونه می بینند و تا در به شخص متحین، دوستان و دشمنان طبقه کارگر و بطور کلی نیروهای انقلاب جهانی و نیروهای ضد انقلاب و دشمن اصلی خلقهای جهان نیستند و هر چند در حرف خود را پیگیر ترین و بیگانه مدافع راستین این طبقه کارگر در ایران و حتی سراسر جهان می نامند و دیگر نیروها را سائتر بیست، رویزیونیست، اپورتونیست، منزله و غیره... می نامند. لیکن هیچگونه اعتقادی به آنترناسیونالیسم ندارند. آنچه "سازمان پیکار" تحت پوشش حله به رویزیونیسم ارائه میکند در حقیقت چیزی نیست جز واراد کردن تزلزلات روشنفکران خرده بورژوازی در جنبش ضد امپریالیستی، نفی آنترناسیونالیسم پرولتری و انکار پیرویه عینی روند گسترش انقلاب در عرصه جهان.

بدون شبهه با زکونه دیدن صف آرائی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در عرصه جهانی و وارونه جلوه دادن روند عینی گسترش انقلاب جهانی، نه امری اتفاقی و معرفتی بلکه بیاسی تکرار این طبقه ای مسلط در این سوسیالیسم تخیلی است که متاسفانه از بخت بدشان این سوسیالیسم تخیلی و آرمانی شان در هیچ کجای جهان پیدا نمیشود و جامعه عمل نمی پوشد.

در نظراین روشنفکران بی نوا، روند تکاملی جامعه بشری و انقلابات پیروزمند در همه جا بعوض بالندگی و پیشروی، به قهقرا سیر میکند، جامعه شوروی پس از پنجاه سال ساختمان سوسیالیسم بناگاه با "کودنای خروش" به امپریالیسم گذر میکند، اردوگاه سوسیالیسم به اردوگاه سرمایه داری میدل میشود، انقلابات... کوبا، ویتنام و غیره... پس از سالها نبرد و میلیونها شهید، و کسب پیروزی و برقراری دیکتاتور دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر و رها بی امپریالیسم، کشورهای تحت سلطه! و در انقیاد! و اقمار! امپریالیسم زکا ردمیابند.

ادامه دارد.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

عوامفریبی دادگاه تخلقات و جرایم ...

بقیه از صفحه ۱

نیروهای انقلابی جاسوسی کنندیشرمانه میخواستند که مردم را به "شنا سازی" معرفی "انقلابیون و آوارها ما در این مورد نیز توده ها تجربه های بسیار دارند و قریب رژیم را نخواهند خورد. توده ها بخوبی بیاد دارند که چگونه شاه انقلابیون را خرابکاران روزها منیت میخواست معرفی می کرد و چگونه همواره میخواست که توده ها در هر کجا خرابکار را زیاد دیدند و یا شنا سازی کردند فوراً "به ما مسورین اطلاع دهند. توده ها اینک با یکا رگیری تجربیاتشان دیگر فریب نیرنگهای بیشرمانه جمهوری اسلامی را که علناً از آنان می خواهند ضمن شنا سازی چهره هایی که در گوشه و کنار شهر خود را برای مبارزه مسلحانه با رژیم جمهوری اسلامی آماده می کنند مراتب را در اسرع وقت به ... دادگاه اطلاع دهند نخواهند خورد. و در این راه فقط رژیم بیش از پیش چهره کربه خود را نشان خواهد داد.

در ماده ۳۳ خطاریه "آمده است": از کلیه افراد مومن به انقلاب دربار زارو مراکز تجاری درخواست میشود اسامی چهره های ضد انقلاب و منافق را که در شرایط حساس جنگی بابت اخلاص در نظم و یا ایجاد گرانی و کمبود کالا در جامعه میشوند در اختیار دادگاه قرار دهند. "و این نیز فریبی بیش نیست توده ها اینک بیش از پیش با گوشت و پوست خود لمس میکنند که چگونه سرما به داران خون آنان را می مکنند چگونه تحسار و محسوران دسترنج آنان را غارت میکنند. توده ها بخوبی درمی یابند که چه کسانی عاملین احتکار و گرانی اند. دیگر توده ها میفهمند که این رژیم جمهوری اسلامی است که با حمایت بی دریغ خود از تجار و سرما به داران بزوز به روز به گرانی دامن میزند و کمیا بی را افزون می کند. توده ها میدانند که این رژیم جمهوری اسلامی است که با ایجاد محیطی مناسب "برخیز و برکت" فقط در سال گذشته ۱۲۰ میلیارد تومان سود از شمره دسترنج خلق را به جیب گشاد باران و تجار سرزیر کرده و ... اما رژیم به عبث میکوشد توده ها را فریب دهد رژیم در پی حمایت بی دریغ خود از سرما به داران و تجار بازاری است تمام ی گناه را بگردن اقشار خرده پای با زار بیندازد و دیدنی طریق توده ها را رود روی بکشد دیگر قرار دهد و همچنین میخواست نیروهای انقلابی را عامل گرانی و احتکار و کمیا قلمداد کند.

در ماده ۴۴ آمده است "به کلیه رانندگان خودروهای عمومی بویژه رانندگان تاکسی اخطار میشود که در صورت مشاهده حرکات ضد انقلابی از قبیل شایعه پراکنی و آهانت به مسئولان مملکت و تضعیف جمهوری اسلامی علاوه بر جرائم سنگین، کارنامه هایشان را منسوخ و نام آنها از جدول اسامی رانندگان معتمد تاکسی تهران خارج خواهد شد."

میلیونی مسلم و مومن به انقلاب خواستاریم اینگونه افراد را شنا سازی و در اولین فرصت اسامی و مشخصات آنان را در اختیار دادگاه ... قرار دهند. " باید پرسید مگر اینک نیروهای انقلابی همواره پس از قیام خواستار اقبای نام ساواکیها و دستگیر و محاکمه آنان بوده اند. مگر نه اینک همواره خواستار سرکوب سرما به داران و تمامی ایادی رژیم گذشته شده اند، مگر نه اینک نیروهای انقلابی همواره خواستار تغییر بنیادی در ساخت ارتش و دستگیری و محاکمه تمامی سربازان و فرماندهان ارتشی و مزدوران ضد اطلاعات بوده اند. چه کسی با جلوگیری از این اعمال به حمایت از ساواکیها و ایادی رژیم گذشته پرداخت. مگر نه اینک این رژیم جمهوری اسلامی بود که نه تنها اسامی ساواکیها را انتشار نداد. نه تنها لیست ما موران سباز را فاش نکرد. نه تنها آنان را دستگیر و محاکمه ننمود. بلکه بسیاری از آنان را نیز بکار گرفت و دستگاه ساواک و ضد اطلاعات را جهت شنا سازی و سرکوب نیروهای مترقی با سازی کرد. این رژیم جمهوری اسلامی بود که ایادی رژیم سابق را از ادبها دتا از مرزها خارج شوند. چه کسی بختیاری رومندی و نژاد و مراغه ای و ... را فرار دادند مگر نه اینک رژیم جمهوری اسلامی سرما به داران را از ادبها دو مالکیت آنان را تثبیت کرد و به آنان وام داد. زمینداران را رها کرد و به آنها برسد دهقانان را اسلحه و پول داد و ... مگر نه اینک رژیم جمهوری اسلامی ارتش را بر سر بیست و مقام خود ایفا کرد. ساخت ارتش را حفظ و باز سازی نمود و بالاخره اینک این رژیم جمهوری اسلامی است که با فریب و نیرنگ میکوشد مبارزات نیروهای انقلابی را به با واکها و ایادی رژیم گذشته نسبت دهد. خنده دار است که رژیم از توده ها میخواهد تا با واکها و ایادی رژیم گذشته "را شنا سازی کرده معرفی کنند. حکام جمهوری اسلامی میزبانان دروغ میگویند. زیرا اگر حقیقتاً "جنبش خواستی داداشند، مگر لیست ساواکیها، عنا صریحاً و ضد اطلاعات آنها در دستانت نیست؟ رژیم جمهوری نه تنها صورت اسامی ساواکیها را افشاء نمی کند بلکه اکثر آنان را بکار گرفته است. نه تنها ضد اطلاعات آنها را دستگیر نمی کند بلکه ضد اطلاعات ارتش را با سازی کرده است. نه تنها مرسدگان رژیم گذشته را شنا سازی و دستگیر نمی کند بلکه بسیاری از آنان را بر سر مقامات خود ایفا کرده و فقط از طریق مدور "خطاریه" و "اطلاعیه" قصد آذارد توده ها را بفریب و در عین لاپوشانی اعمال ضد مردمی خود آنان را بر سر ضد نیروهای انقلابی بکار گیرد.

در ماده ۴۵ آمده است. "از اهالی مومن محلات تهران خواستاریم ضمن شنا سازی چهره هایی که در گوشه و کنار شهر خود را برای مبارزه مسلحانه با جمهوری اسلامی آماده میکنند مراتب را در اسرع وقت به این دادگاه اطلاع دهند." رژیم دست از فریب و نیرنگ خود بر زمینداران و دولت جمهوری اسلامی بیشرمانه از توده ها میخواهد که بر ضد

حکام جمهوری از روز پس از قیام و پس از به جنگ آوردن قدرت کوشیدند تا گام بگام تمامی دستاوردهای قیام خلق را با پیمان نمایند. اینک در پی تمامی سیاستهای سرکوبگرانه شان که در جهت هر چه محدودتر کردن آزادیهای دموکراتیک توده هاست سعی دارند حتی بحث و تبادل نظر سیاسی توده ها را که یکی از دستاوردهای قیام است با زپس بگیرند. به این خاطر است که توسط "خطاریه" خود سعی دارند جلوی هرگونه بحث آزاد، هرگونه اظهار نظر سیاسی و ... را بگیرند.

رژیم جمهوری اسلامی سعی دارد از طریق تهدید به "لغو کارنامه" رانندگان و اخراج ... رانندگان زحمتکش و سایر نقلیه عمومی را به جاسوسی و آوارها از این طریق ساواکی گسترده تر از ساواک شاه خائن تدارک ببینند. غافل از اینک زحمتکشان هیچگاه تن به چنین خیانتی به خلق نخواهند داد. در عین حال که توده های خلق که دستاوردهای شان را به بهای ۷۰ هزار شهید و صدها هزار زخمی بدست آورده اند تهدید و جاسوسی بر روی از این دستاوردها چشم نخواهند پوشید. در ماده ۵۵ خطاریه آمده است "به کلیه ما مورین انتظامی و باسداران ... ابلاغ میگردد نسبت به کسانی که فرصت طلبانه با کمک گروهکهای آمریکا ... به زمینهای دولتی و غیر دولتی (یعنی متعلق به سرما به داران و زمینداران) تجار و زمینداران با قاطعیت برخورد ... نمایند" در پس این حملات بخوبی چهره رژیم حامی سرما به داران بیدار است با دیدن رسید توده های زحمتکش که در اثر گریه خانه کمز شکن و در پی سربشاهی محقر به بیایانهای کرج چوری آورده اند یا در خاک سفید خانه ساخته اند ضد انقلاب و "فرصت طلب" هستند. با به قدرت رسیدگانی که در پناه مبارزات و جانفشانی های خلق قدرت و مقام را بدست آورده اند و اینک در حمایت از زمینداران و سرما به داران خواستار "قاطعیت" در سرکوب خلقند. با دیدن رسید توده های که پس از عمری رنج و مشقت و بهره کشی شدند میخواهند زمینهای زمینداران و سرما به داران، آپارتمانهای خالی شرومندان و گناهای اشراف را مصادره کنند فرصت طلبند و دولتی که با سوء استفاده از توده ها به باقی مالکیت زمینداران و سرما به داران و سرکوبی روز افزون توده ها مشغول است.

رژیم در مقابل او جکی روز افزون جنبش خلق و قدرت گیری بیش از پیش نیروهای انقلابی تا توان تراز قبیل هر روز حیلها و شیوه های جدیدی بکار می گیرد. مبارزات خلق را به ساواکیها و ایادی رژیم گذشته نسبت میدهد. سعی دارد توده های متوهم را بر ضد نیروهای مترقی بسیج کند و به جاسوسی و آوارها و در نهایت زمانی که فریب های پیش کارگرمی افتد از نیروهای انتظامی و باسداران را با انقلاب "خواستار" "قاطعیت" در سرکوب می شود. اما همچنان که تار دو سال اخیر شایع شده است با وجود تمامی تلاشهای رژیم جنبش خلق روز بروز اوجی نوین می یابد. توهمن توده ها بیش از پیش فرو می ریزد و توده ها آگاه میشوند و دیگر فریب جمهوری اسلامی اشرا نخواهد داشت.

اخباری از جنبش مقاومت

بقیه از صفحه ۲۰

می بردازد. تا چند روز پس از این حادثه جو خفقان بر سر حکمفرما شده و هر کسی که مورد سوء ظن سیاه قرار میگیرد دستگیر و زندانی می شود این دستگیریها عمدتاً شامل کسانی است که لباس کبودی به تن دارند حتی سه پیرمرد که به همراه عده ای زن و بچه برای تحویل گرفتن اجساد فرزندان پیشمرگان به شهر آمده بودند، دستگیر و تحویل زندان می شوند. این اعمال وحشیانه پاسداران، خشم و کین مردم بیچاره را دامن زده است. وعزم آنان را برای مبارزه با این سرکوبگران خلقها محکم تر از پیش کرده است.

دیواندره

دیواندره - در شب پنجشنبه ده هم اردیبهشت پیشمرگان جنبش مقاومت با یک حمله حساب شده به ستون های ارتشی مستقر در اطراف شهر ضربات سنگینی وارد کردند. این درگیری با عقب نشینی پیشمرگان در ساعت ۶/۵ صبح پایان یافت. ارتش سرکوبگر بدنیال ضربت سنگینی که خورده بود، از صبح روز پنجشنبه تا آخر روز شنبه در دیواندره حکومت نظامی برقرار کرد و با این خیال خام که پیشمرگان در شهر مانده اند، به اذیت و آزار و دستگیری جوانان شهر پرداخت. بطوری که طی سه روز قریب ۷۰۰ نفر دستگیر شدند. خودداری کسیه از باز کردن مغازه ها که پس از اتمام حکومت نظامی صورت گرفت نشانه ندهنده عزم راسخ خلق کسرد در بدست آوردن خواسته های برحق خویش و حمایت آنان از پیشمرگان انقلابی

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی قزل حصار

بقیه از صفحه ۲۰

اکنون که رژیم جمهوری اسلامی به ساختن آشک تماش برای بانی ساندز سعی در پنهان نمودن چهره سرکوبگرانه خود دارد با پدیا سخ دهد در حالیکه زندانیان سیاسی را در زندانها و شکنجه گاهها ترور می کند (چهار تن از رهبران خلق ترکمن، عقیللی ها، جهان ها و ...) و بایستی توجیهی به خواسته های دهم تن از زندانیان سیاسی - انقلابی کسیه در

تصحیح و توضیح

در کارنامه ۱۰۷۲ در بخش جنبش کارگری ۲ اسم اشتباه درج شده که بدین ترتیب تصحیح می گردد. یکی کارخانه پارس و دیگری که اشتباها "پارس واریکا" و دیگری قسمت تکپوش که اشتباها "تکپوش" نوشته شده است.

در مقاله "مقررات با درات و واردات" وزارت بازرگانی داده ... "کارگاه" ۱۰۸۲ صفحه ۸ ستون ۳، سطر ۲۲، لغت "تصفا" "زاک" است.

سقز

مدتی بود که احساس و وسایلی که از شهرهای دیگر به سقز فرستاده می شد، در دیواندره بوسیله سیاه پاسداران ضبط شده، به سقز نمی رسید. در اعتراض به این عمل ضد انقلابی، کسبه سقز روز چهارم اردیبهشت مغازه ها و بازار را تعطیل کردند.

از همان روز اول تعطیل بازار و مغازه ها، فرماندار مرتجع شهر به آزار و اذیت مردم پرداخت اما وقتی با روحیه رزمندگانه و مقاوم مردم روبرو شد، به یاری جا خفا و ارتشیان و دیگر مزدوران رژیم به بازار شهر ریخته، با دیلم قفل دکا آنها را شکست تا به گمان خود مردم را به تسلیم وادارد. در این رابطه عده ای از کسبه نیز توسط مزدوران جمهوری اسلامی دستگیر می شوند اما مبارزه مردم سقز در برابر حاکمات سرکوبگرانه رژیم همچنان ادامه دارد و نارضایی عمومی در فضای شهر موج میزند.

سنندج

سنندج - در اعتراض به هجوم وحشیانه پاسداران به کارگران بیکار در تاریخ پنجم اردیبهشت که منجر به شهادت چهار تن و زخمی شدن هشت تن از آنان گردید (خبر این جنایت در شماره ۹۹ اگر درج شد)، در تاریخ هفتم اردیبهشت نظارتی از سوی دانش آموزان مبارز سنندج صورت گرفت، که در مقابل دبیرستان کوروش - به درگیری با مزدوران کشید. همچنین دانش آموزان انقلابی دبیرستان جامع، با تحصن، همبستگی خود را با کارگران نشان دادند.

زندانهای سراسر ایران در حالت اعتصاب بر می روند (اعتصاب غذای ده تن از زندانیان سیاسی - انقلابی در زندان سیاه پاسداران زاهدان) و در حالیکه خلفای تحت ستار ایران بویژه خلق کرد را سرکوب میکنند، چگونه است که با مرگ بایی ساندز نوحه خوانی سرداده و خود را طرفدار خلق ایرلسند نشان میدهد. مردم میهنمان اکنون بخوبی دریافته اند که این رژیم نه تنها طرفدار خلقهای تحت ستار می باشد، بلکه آنان را سرکوب هم میکند و دیگر این عوام فریبی های جمهوری اسلامی و این نمایشهای مسخره آنان را فریب نخواهد داد.

در خبر برگزاری راهپیمایی هواداران سازمان به مناسبت اول ماه مهر همدمان کار ۱۰۸۲ - اشتباها نوشته شده که: "در پایان راهپیمایی قطنا همراهییمان خوانده شد." ماضن یوزش، یادآوری می کنیم که به علت برهم خوردن راهپیمایی توسط فالانژها، قطنا ماه ای خواننده نشده است.

توجه

بعلت تراکم مطالب قسمت دوم بررسی و تحلیل مختصری از جنبش کارگری در بکمال گذشته در این شماره میسر شد.

یادشدهای جنگ

سال گذشته در کردستان گرامی باد

بیش از یکسال از کشتار خلق کرد، در جنگ سنندج می گذرد. جنگی که در اوایل اردیبهشت از جنوب کردستان آغاز شد و بتدریج به سراسر این منطقه کشیده شد، خلق قهرمان کرد که از ابتدای حکومت رژیم جمهوری اسلامی در معرض بمباران و کلوله باران قرار داشت در اردیبهشت ۵۹ متحمل سخت ترین ضربات شد. سنندج، سقز، یانیه، مریوان، سردشت و ... شهرهای سراسر کردستان مورد حمله و تیراندازی بی رحمانه و وحشیانه بود. علاوه بر راهای اصلی کلوله بارانهای ارتش جمهوری اسلامی شهید شدند، تعدادی از رفقای فدائی نیز از جمله فدائیان خلق: جمیل طوقانی، جمشید دیندار، صدیق زارعی، غلام خاکبار، رویا علی پناهی، فرشته گل عنبریان، نادریازی، اقبال اصلانی و چند رفیق دیگر نیز که همبای خلق گردیدند و نیروهای سرکوبگر نظامی مبارزه می کردند یا در حین جنگ به شهادت رسیدند و یا دستگیر و اعدام شدند. با دتما می شهدای بخون خفته خلق گرامی باد.

اعتراض به بازداشت ...

بقیه از صفحه ۱

در همان حال انتخابات اخیر که نون نویسدگان برای انتخاب اعضا هیئت دبیران کانون برگزار شد و سعید سلطا نیور غیا با برای یک دوره دیگر به عضویت هیئت دبیران کانون بر سر گزیده شد. طی این انتخابات او بیشترین آراء را آورد و تقراول هیئت دبیران کانون نویسدگان ایران شد. تعدادی دیگر از سازمانهای انقلابی و مترقی جهان نیز ضمن تلکرافها طی به مقامات حکومت جمهوری اسلامی به یادداشت سعید سلطا نیور نشانه عرو نویسدگان انقلابی و عضو هیئت دبیران کانون نویسدگان اعتراض کرده و خواستار آزادی فوری وی شده اند. از جمله: - خانه کارگران مهاجر M.I.I. انجمن مراکشیها در فرانسه A.M.F. کنفدراسیون کارگران الجزایری C.T.A. فدراسیون کارگران آفریقای سیاه ...

F.I.A.M. اتحادیه کارگران مهاجر تونس V.G.T.S اتحادیه عمومی کارگران سنگال A.T.T. انجمن کارگران ترک طی تلکرافتی به رئیس جمهور و رئیس دیوان عالی کشور در تاریخ ۷ مه ۱۹۸۱ خواستار آزادی سعید سلطا نیور شدند. همچنین در تاریخ ۸ مه ۱۹۸۱ جنبش وحدت سوسیالیستی فرانسه P.S.V. طی نامه ای به رئیس جمهور نسبت به ترور دختر مجاهد و دستگیری سعید سلطا نیور اعتراض کرده است. در تاریخ ۴ مه ۱۹۸۱ کارگران جوان مسیحی فرانسه J.O.C و C.I.M.A.P و A.C.A.T طی نامه ای به رئیس جمهوری به یادداشت سعید سلطا نیور اعتراض کردند.



گرامی باد خاطره شهدای اردیبهشت ماه

بقیه از صفحه ۲۰

★ فدائی شهیدرفیق شیرین معاضد (فضیلت کلام) هنگامی که در روز ۱۶ اردیبهشت ۵۳ همراه با رفیق مرصیه احمدی احکوشی درسقراری حاضر شده بود، به وسیله پلیس ضدخلفی دستگیر شد، وی قصد داشت با خوردن قرص سیانور به زندگی خویش خاتمه دهد اما مزدوران ساواک او را به بیمارستان رسانده و مانع شهادت او در آن هنگام شدند. آخرین بار رفیق را در تیرماه همان سال با بدنی سوخته و شکنجه شده در زندان کمیته دیدند و میدانی نیم که پس از آن در زیر شکنجه به شهادت رسیده است.

★ فدائی شهیدرفیق حبیب برادران خسرو شاهی متولد ۱۳۲۲ در شیریز - فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران - رفیق حبیب در اوایل فروردین ماه ۵۳ دستگیر شد و پس از یک هفته مقاومت در زیر شکنجه برای اینکه فرارش با حمید شرف لوی شروع کند فراری ساختگی، ما موران ساواک راه جاده ساوه کشاند و در آنجا خود را به زیر چرخهای یک کامیون افکند و به شهادت رسید.

اردیبهشت ۵۴

★ فدائی شهیدرفیق علی اکبر (فریدون) جعفری متولد ۱۳۲۲ در تهران - دانشجوی اقتصاد دانشگاه تهران - از اعضای اصلی و عضو مرکزیت سازمان - رفیق در اردیبهشت ۵۴ در حالی که برای انجام ما موریتی عازم مشهد بود، به علت خستگی ناشی از کار مداوم تصادف کرد و به شهادت رسید.

★ فدائی شهیدرفیق محمود نمازی متولد ۱۳۲۸ در بهبهان دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران - در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۵۴ خانه تیمسی چندتنی از رفقا در فروین به محاصره پلیس در آمدورفت محمود دستگیر شد و پس از مدتی در زیر شکنجه های وحشیانه مزدوران ساواک به شهادت رسید.

اردیبهشت ۵۵

★ فدائی شهیدرفیق هوشنگ اعظمی لرستانی متولد ۱۳۱۵ در مشهد پزشکی - نویسنده و شاعر - در ۲۵ اردیبهشت ۵۵ پس از چند سال مبارزه مسلحانه در لرستان، به شهادت رسید نوشته فلسفی "جدام" - تحلیلی از ۱۵ خرداد - نوشته ای در مورد مبارزات خلق آنگولا و نقش استعمارگران پرتغال - شعرومقه از آثار اوست.

★ فدائی شهیدرفیق محمود خرم آبادی از یاران و همروزان رفیق هوشنگ اعظمی و برادر فدائیان شهید احمد و مجتبی خرم آبادی در ۲۷ اردیبهشت ۵۵ به شهادت رسید. در فاصله روزهای ۲۵ تا ۲۸ اردیبهشت ماه ۵۵ مزدوران ساواک با حمله ای سمانه به چندین پایگاه سازمان در تهران و شهرستانها حمله بردند. فدائیان دلیر قهرمانان را که جنگیده، برخی به شهادت رسیدند، برخی حلقه، محاصره را شکسته و با عملیات قهرمانانه به پایگاههای دیگر رفتند، در حالیکه از دشمن ۷ کشته و خیلی بیش از این مجروح برجای مانده بود. با دجانبازی هایشان گرامی می‌داریم.

★ فدائی شهیدرفیق لادن آل‌آقا متولد اسفند ۱۳۲۴ در کرمان - دانشجوی رشته زبان فرانسه دانشگاه تهران
★ فدائی شهیدرفیق جهانگیر باقریور
★ فدائی شهیدرفیق مهوش حاجی

★ فدائی شهیدرفیق فرزاد دادگر
★ فدائی شهیدرفیق قربانعلی زرکاری متولد ۱۳۲۲ در تهران - کارگر
★ فدائی شهیدرفیق ناصربانگ نام‌آسی

★ فدائی شهیدرفیق ارژنگ تابگان نام‌آسی
★ فدائی شهیدرفیق فرهاد صدیقی پاشاکی - متولد ۱۳۲۲ در روستای پاشاکی از توابع سیاهکل - دانشجوی دانشگاه تهران

★ فدائی شهیدرفیق عزت غروی (رفیق مادر) متولد ۱۳۰۳ در بروجرد مادر فدائیان شهیدرفقا احمد مجتبی و محمود خرم‌آبادی.
★ فدائی شهیدرفیق فاطمه (فریده) غروی متولد ۱۳۲۲ در بروجرد - فارغ التحصیل رشته شیمی از دانشگاه تهران

★ فدائی شهیدرفیق محمدرضا قنبریور متولد آبادان
★ فدائی شهیدرفیق احمدرضا قنبریور متولد ۱۳۲۲ در آبادان - معلم روستا

★ فدائی شهیدرفیق زهره مدیر شانه‌چی متولد مرداد ۱۳۲۲ در تهران دانشجوی مدرسه عالی علوم قضائی قم
★ فدائی شهیدرفیق تورج لثری تلخستانی

★ فدائی شهیدرفیق حسین فاطمی متولد ۱۳۲۴ در محله خانی آباد تهران دانشجوی رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران
★ فدائی شهیدرفیق میترا بلبل صفت همسر و همروز رفیق حسین فاطمی - این دورفت در کنار یکدیگر به شهادت رسیدند.

★ فدائی شهیدرفیق مصطفی حسن پوراصیل متولد در یکی از قریه های لاهیجان - برادر فدائی شهید

غفور حسن پور
★ فدائی شهیدرفیق بهروز ارمنانی متولد ۱۳۲۴ - دانشجوی مهندسی ساختمان دانشکده فنی دانشگاه تبریز
★ فدائی شهیدرفیق اسماعیل عابدی متولد ۱۳۲۸ در کنگاور
★ فدائی شهیدرفیق هادی فرجاد پزشکی متولد ۱۳۴۱ در مشهد - دانشجوی رشته اقتصاد دانشگاه تهران
رفیق هادی در یک درگیری خیابانی با مزدوران رژیم شاه در اردیبهشت ماه ۵۵ به شهادت رسید.

اردیبهشت ۵۶

★ فدائی شهیدرفیق نسرین پنجه‌شاهی در چهارم اردیبهشت ماه ۵۶ به شهادت رسید.
★ فدائی شهیدرفیق عبداللّه پنجه‌شاهی مادر سندخواسترفیق نسرین در اردیبهشت ماه ۵۶ به شهادت رسید.

اردیبهشت ۵۹

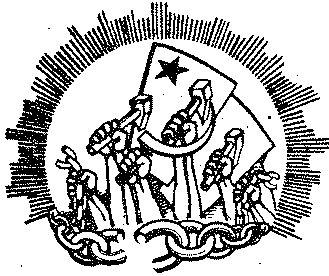
در اردیبهشت ۵۹ ما موران رژیم جمهوری اسلامی ده‌ها دانشجویان به خاطر مبارزه برای بازماندن دانشگاه به شهادت رساندند. یا دشان را گرامی می‌داریم:
★ رفیق ما دقایق از اتمام تحصیلات ابتدائی در خاش و ادا مه ۲۸ در تهران در سال ۵۴ در دانشگاه سیمستان و بلوچستان به تحصیل پرداخت و نقش بسزائی در سازماندهی مبارزات دانشجویی بر علیه رژیم پهلوی داشت، و با اوج‌گیری قیام فعالانه در تظاهرات مردم‌شکرت و مقابله با پلیس مبارز پرداخت بهمین جهت دستگیر و زندانی شد پس از قیام نقش برجسته ای در سازماندهی دانشجویان پیشگام داشت در جریان حمله وحشیانه قداره بند نوبیا سازان جمهوری اسلامی به دانشگاه تحت عنوان انقلاب فرهنگی فینق دلاورا نه مقاومت کرد و در سرگردا دانشگاه شهید گردید.

★ فدائی شهیدرفیق احسان‌الله ایمانی
★ فدائی شهیدرفیق فریدون آشنایی
★ فدائی شهیدرفیق غلامحسین خاکباز
★ فدائی شهیدرفیق مسعود دانیالی
★ فدائی شهیدرفیق محسن رفعتی
★ فدائی شهیدرفیق رویان علی‌پناه فرد
★ فدائی شهیدرفیق کمال کیانفر
★ فدائی شهیدرفیق فرشته گل‌عنبرستان

خاطره این شهیدان به خون خفته خلق گرامی باد

گرامی باد خاطره شهدای بخون خفته خلق

گرامی باد خاطره شهدای اردیبهشت ماه



اردیبهشت نیز چون ماههای دیگر سرخ است از خون فدائیانیکه در راه - ناکرگان و آریانه های و آریا حمتکشان مبارزه کردند و بشهادت رسیدند. بیاد این رفقای شهیدها و شهدای دیگر در قلب توده ها زنده خواهد ماند.

اردیبهشت ۵۰

فدائی شهید رفیق خلیعلی سلمان نژاد، متولد همدمان - کارگر رفیق در ۱۸ اردیبهشت ۵۰ هنگامی که مسئول تهیه کوکتل مولوتف برای مصادره موجودی بانک ملی شعبه آیزنها و ربود، دچار سوختگی شدید شد و پس از چند روز به شهادت رسید.

فدائی شهید رفیق کاظم سعادتی متولد ۱۳۱۹ در آذربایجان - معلم - در ۲۳ اردیبهشت ۵۰ در راه با فعالیت های بهروز دهقانی - که رفیق و برادرش بود - دستگیر و سپس آزاد شد. کاظم که می دانست سی اس او اک قصد آزادی او برای دستگیری بهروز به عنوان طعمه استفاده کند، با قطع کردن رگ های دستش به زندگی پرافتخار خود خاتمه داد.

اردیبهشت ۵۳

★ فدائی شهید رفیق مرضیه احمدی اسکویی متولد ۱۳۲۴ در آبگو (آذربایجان) - دانشجوی دانشگاه تبریز - معلم - شاعر و نویسنده - پس از چند سال مبارزه در تبریز - دلمیرانه با مزدوران ساواک در ساعت ۵ صبح روز ۶ اردیبهشت ۵۳ در میدان شهناز سابق، در تهران به شهادت رسید. باره ای از شعرها و نوشته های رفیق مرجان در کتابی با نام دالفا (موج) به چاپ رسیده است.

بقیه در صفحه ۱۹

اخباری از جنبش مقاومت خلق کرد

پاسداران با رقص و پایکوبی بر اجساد شهدا وحشیگری خود را با ثبات رساندند

ما شین با چراغهای روشن ریخته و بمدت چهار ساعت در شهری گرداندند و در این حال به رقص و پایکوبی سر روی اجساد پیشمرگان می پردازند. این عمل پاسداران یا آذو و جنایت ارتش - مزدور شاه جلاد بود که جسد شهید قهرمان اسماعیل شریف زاده را در شهر بانه به معرض نمایش گذاشته بودند. مردم بیچاره را سکوت و عدم شرکت در مراسم پاسداران، نفرت خود را از این عمل نشان دادند. بعد از این تشیع جنازه غیر انسانی، اجساد پیشمرگان بجای تدفین در گورستان شهر به پای کوه سهراب در جنوب غربی بیجا روبرده شده و بطور دستجمعی در گودالهایی کنه - وسیله بولدوزر مفرشه بود، ریخته می شود و در همین حال یکی از پاسداران بهزدیدن وسایل شخصی پیشمرگان شهید

بقیه در صفحه ۱۸

ترور محمد علی ساکتی راننده تاکسی به دست پاسداران رژیم جمهوری اسلامی

روز چهارشنبه در حوالی میدان خرنان یک راننده تاکسی بنام محمد علی ساکتی هدف کلوند ما مورکمیته منطقه ۵ ایستام محمدزنا مقیمی قرار گرفت و کشته شد. روزنامه های رسمی رژیم مجبور شدند که بیعت ایستادین جنا بیست و اعتراض وسیع توده های خیر را منعکس کنند و اعلام نمایند که قاتل در بازار است بر می برد. ما ختم و انزار مردم بویژه رانندگان تاکسی از این اقدام - جنا بیکارانه در همه جا چشم می خورد. مدعی که در محل وقوع جنایت حضور داشتند هر یک بنحوی این اقدام جنا بیکارانه پاسدار رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کردند. رانندگان تاکسی در حالی که تاکسی های خود را در سراخیا بان پارک کرده بودند اعتراض گسترده خود را نسبت باین اقدام و همبستگی خود را نشان دادند.

روزنامه انقلاب اسلامی نوشت "دیشب یک راننده تاکسی بدنبال مشا جره لفظی با مسافر خود بدلیل عدم استفاده از دستگاه کیلو متر شمار به ضرب کلونه اسلحه کمر، مسافر بقتل رسید.

سرپرست کمیته منطقه ۵ طی اطلاعیه ای اظهار داشت که پاسداران بیک تاکسی که روی درب آن نوشته نشده بود و دارای تاکسی متر نبوده و راننده آن کارنامه تاکسی رانی نداشته مشکوک می شوند. راننده را به طرف کمیته راهنما می می کنند. و با لایحه "نا خود آگاه" به راننده تاکسی شلیک می کنند.

روزنامه جمهوری اسلامی بنقل از شرکت تعاونی تاکسیرانی تهران نوشت: بقیه در صفحه ۱۷

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی قتل حصار به نشانه همبستگی با خلق قهرمان ایراند

به نشانه همبستگی با خلق قهرمان ایراند و به مناسبت شهادت چریک مبارز با بی ساند زندانیان سیاسی زندان قتل حصار در تاریخ بیست و یکم اردیبهشت ماه دست به یک اعتصاب غذای ۲۴ ساعته زدند. زندانیان سیاسی ایران با اعتصاب غذای خود پیوند عمیق بین خلقهای ایران و خلقهای تحت ستم جهان را در برابر رژیمهای ضد انقلابی نشان دادند.

بقیه در صفحه ۱۸

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر